

رسالت رادیو تلویزیون
سیاست صنعتی و اقتصاد کشاورزی
جهاد سازندگی
اشغال حوزه‌های نفتی خلیج
اخبار ایران و جهان
هنر و ادبیات



خودسازی انقلابی

اسم انقلابی تنها اسمی نیست که در یک انقلاب اجتماعی حرکت می‌کند... چه با که «سور تونستنا»... «ساجراوها» و خودخواه... نیز در آن حرکت کند... که می‌کند و جرمی است... انحراف همه نهضت... و تا کسی همه انقلابی حرکت این است... بلکه یک انقلابی بیست از هر چیز یک جوهر دیگر گونه خود ساخته است... اسمی است که خویشش خود ساخته ایدولوژی یک... راجانین خویشش موروثی سنتی و غربی... کرده است.
دکتر علی تبریزی
شماره ۱۶
چهارشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۵۸ سال اول بها ۱۰ ریال

کدام نماینده؟ برای کدام قانون اساسی؟

چند روز دیگر میلیونها نفر هوطنان ما بیای صندوق‌های رأی می‌روند تا به کسانی برای شرکت در مجلس تدوین قانون اساسی رأی بدهند، می‌روند تا کسانی را انتخاب کنند که باید قانون اساسی جمهوری اسلامی، خونهای دهها هزار شهید و حاصل دهها سال مبارزه، را بر اساس مکتب و ایدئولوژی اسلامی تدوین و تصویب نمایند. در این کار مسئولیت بزرگی بر دوش هوطنان ماست زیرا سرنوشت انقلاب تا حدود زیادی وابسته به عملکرد مجلس خیرگان می‌باشد. چه کسانی به این مجلس راه می‌یابند و مردم برای انتخاب نمایندگان خود کدام ضوابط و معیارها را در نظر خواهند گرفت و سرانجام مجلس مزبور قانون اساسی را با چه مأمیت و برداشت مکتبی برای تصویب نهایی برای عمومی خواهد گذاشت؟ در باره چهارچوب و معیارها و اصول حاکم بر قانون اساسی، بین افراد و گروهها و صاحب نظران، توافق بسیار کمی وجود دارد مردم در این باره چیز زیادی نمی‌دانند، آنها اشخاص را بیشتر از اصول می‌شناسند و لذا مرجع آنها شخصیتها و عناوین خاص می‌باشد نه اصول و ضوابط مکتب. حقیقت آنستکه توده قبل از هر کس، روحانیون را ملاک و مرجع خود قرار داده است. نفسی را که امام در رهبری انقلاب برعهده داشتند و سهم بزرگ روحانیون مبارز و مترقی در بسیج مردم علیه رژیم، علت اصلی اعتماد آنان به این قشر می‌باشد. گذشته از این اسلامی بودن انقلاب موجب شده است مردم در حل مسایل مکتبی، این گروه را که سبیل و نماینده و سخنگوی رسمی مذهب بشمار می‌روند، صاحب صلاحیت بشناسند. از این رو مردم وقتی بای انقلاب و مکتب، بنه همسان می‌آیند در بست به روحانیون رجوع می‌کنند. البته همه افراد توده ملاک واحدی را در ارزشیابی صلاحیت این افراد بکار نمی‌برند توده بزرگی صرفاً عنوان و لباس را ملاک قرار می‌دهند و بعضی محتوای فکری و عمل و موضع گیری آنان را هم در نظر می‌گیرند لذا درست هر کس را در این لباس بود به عنوان نماینده ذیصلاح مکتب و انقلاب تشناخته بعضی را قبول و بعضی را رد می‌کنند - اعتماد درست توده به رهبری انقلاب که مبتنی بر شناخت و تجربه‌ای عمیق و طولانی نسبت به ارزشهای ایشان است - خود به خود به همه کسانی که در این لباس تاج حنّی تزیین پیدا می‌کند و در نتیجه بسیار از کسان که از لحاظ معلومات و بینش و شناخت مکتب و تقوی در رفتار و عمل و آگاهیهای سیاسی، اجتماعی ضعیف و فاقد صریحت کافی می‌باشند. به صرف آنکه عنوان و لباس را با خود دارند، توده آنها را برای این امر مهم ذیصلاح می‌شناسد.

مباحث ایدئولوژیک دکتر بهمان ۲

اولین منشور سیاسی پیامبر اسلام یا نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر

مسلمانان مدینه
امت کوچک اسلامی از چه کسانی تشکیل شده بود؟ در بند امر ممکن است تصور شود هر مسلمانی می‌توانست عضو جامعه مدینه شود اما چنین نبود. یک بخش مهم از این امت را مهاجرین تشکیل می‌دادند مهاجرین، مسلمانان مومنی بودند که از روی آگاهی و ایمان کامل دعوت پیغمبر را بپذیرت و ترک خانه و کاشانه قبول کردند و از همه چیز خود در راه خدا و آرمانهای مقدس خود گذشتند تا پیش از اعلام هجرت، تمیز بین مسلمانان از لحاظ درجه ایمان و تقوی و رهایی از علائق و خصلت‌های غیر توحیدی - آسان نبود. هجرت آزمایی بود که مومنان فداکار و آزاد از هر قید و بند جاهلی و علائق شخصی را از مسلمانان پای‌بند به منافع و مصالح شخصی و اسیر ضعفها و تمایلات خصوصی، جدا می‌کرد.

کسانی عضو امت اسلامی در مدینه بحساب می‌آمدند که از این آزمایش سرفراز عبور کرده حاضر به مهاجرت و دل‌کندن از علائق خود در مکه شده بودند کسانی که خطرات ورود بیک مرحله تازه و بسیار سخت از مبارزه و جهاد را پذیرفته با آغوش باز از آن استقبال کرده بودند - لذا مسلمانانیکه تن به این آزمایش نمی‌دادند - شایستگی عضویت در امت و گروه مومنان را نداشتند قرآن درباره هر دو دسته چنین می‌فرماید: «ان الذین امنوا و هاجروا جاهدا و باموالهم و انفسهم فی سبیل الله و الذین اودا و نصروا اولئک بعضهم اولیاء بعضهم اولئین امنوا و لم یهاجروا مالکم من ولائهم من شی حتی یهاجروا و ان استنصرو که فی الذین فقلیکه التصر الّآ علی قوم بینکم و بینهم ميثاق والله بما تعلمون بصیر» انفال ۷۲/

کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند و آنانکه پناه دادند و پاری کردند (انصار) بعضی دوستان بعضی دیگرند - کسانی که ایمان آوردند و یا مهاجرت نکردند شما را از دوستی ایشان نصیبی نیست مگر آنکه مهاجرت کنند (در اینصورت) اگر از شما در دین خود پاری خواستند - بر شماست که حمایت کنید مگر علیه گروههایی که میان شما و آنان پیمان و معاهده برقرار است و خدا به آنچه می‌کند بینا است.) از این آیه معلوم می‌شود که هر مسلمان یا گروهی از شایستگی عضویت در امت را نداشته است. بسیاری از

کنفرانس "تحرک ادارات"

● اگر برنامه‌ای هم در جهت آنچه که انقلاب خواستار آنست تحقق می‌یابد، نه ناشی از منشن و روشن دولت شما است. بلکه این اجبار از عمق و توان نیرومند خلق انقلابی ماست و رهبری قاطع و آقای نخست‌وزیر

سازش ناپذیر انقلاب برسانند و نه در طی این مراحل تغییر نهادی و بنیادی را در یک انقلاب عظیم از همین زاویه نگاه و نگرش به مسائل است. که انبوه انتقادات و بیسندادات نیروها و سازمانهای مترقی و انقلابی را در یک کلام در آغاز سخن خود، بنام «بدگونی از دولت جزئه مبارز بودن تسلفی می‌شود» چنین تفسیر می‌نمایند که: «بدنیل انقلاب هیئت دولت و کارمندان دولت مورد بی‌مسهری و احیاناً انتقاد و بدگونی مردم قرار گرفتند و هر فرد روشنفکر انقلابی و دلسوخته برای وطن ضمن بدگونی از دولت گفت که دولت بدرده هیچ کاری نمی‌خورد و باین ترتیب بدگونی از دولت جزء مبارز بودن و بر حق بودن تلقی شد. بر این روحیه انتقاد از دولت ابراهای نیست چون طی دو هزار و ساتصد سال استبداد روحیه‌ای که دولت و دولتیان برای چپاول، غارتگری و تصرف اموال مردم داشتند این بدبینی را در مردم نسبت بدولت ایجاد کرد بطوریکه یک حالت دوگانگی و نفرت بین دولتیان و مردم وجود داشت این بدبینی سرعت از بین نمی‌رود و احتیاج به زمان دارد...»

بقیه در صفحه ۶

گزارشی از کارخانه خرسری (مسجد)

کارخانه در سال ۱۳۱۳ تأسیس و ۴۵٪ سهام، در آنستان قدس و بقیه را شرکت صاحبند کارخانه دارای ۷۵۷ کارگر و حدود ۴۰ کارمند است که حداقل حقوق کارگران روزانه ۲۱ تومان و حداکثر ۶۵ تومان (با ۴۳ سال سابقه کار) می‌باشد. تولید عبارت است از پارچه درجه سه که ماده اولیه آن پنبه ۶۰٪ طبیعی و ۴۰٪ مصنوعی «ویسکوز» از خارج تهیه می‌شود. - گفت و شنودی با کارگران و شورای کارگری کارخانه.

در آغاز از برادران کارگر درباره وضعیت شورای کارخانه سوال کردیم. گفتند چند ماه قبل از انقلاب بعد از انحلال سندیکای قبلی سندیکای جدیدی را تشکیل دادیم و سندیکای بحال اقدامات زیر انجام داده است: ۱ - پرداخت ۵۰۰ تومان بهر کارگر ۲ - پرداخت حق شب کاری ۳ - مجانی کردن نان ۴ - تهیه ۲۵۰ متر زمین برای تعدادی از کارگران ۵ - پرداخت ۳۰۰ تومان اضافه دستمزد ۶ - ایجاد حسن تفاهد بین کارگران و اضافه کردند کار سندیکای عبارتست از رابطه بودن بین کارگر و هیئت مدیره و رئیس کارخانه. در حالی که با اعضای سندیکا صحبت می‌کردیم، چند نفری از برادران کارگر با چهره‌های خسته وارد شدند پس از سلام و علیک معلوم شد که از برادران شورای کارخانه است. - بقیه در صفحه ۵

گزارشی از: جلسه بحث پیرامون وحدت

بنابر دعوت جنبش مسلمانان مبارز برای ایجاد وحدت در یک جبهه واحد ضد استبداد، استعمار و استثمار در مقابله با امپریالیسم - ارتجاع، به رهبری امام خمینی پنجمین جلسه - ۴ مرداد، ۵۸، جلسه بحث آزاد اعلام گردید. در نخستین جلسه سخنرانان متعدد، هر کدام از دیدگاه خود در مورد ضرورت وحدت و چگونگی ایجاد جبهه واحد صحبت نمودند. اولین سخنران گفت: «منظور از اتحاد، اتحاد مکتبی است، اتحادی بر مبنای اصول اسلام و قرآن. سخنران بعدی اشاره نمود که مسئله مهم مشخص کردن حوزه‌ها و میدانهای مختلف وحدت است و حتماً لازم نیست وحدت دو یا سه گروه در تمام زمینه‌ها و ابعاد باشد، وی در دنبال سخنان خود گفت:

بقیه در صفحه ۳

نخستین نماز جمعه

● وحدتی که بسا رهبری‌های فاسطع اسلامی بحرکت درآمده، دنیا را نگران کرده، آمریکا، امپریالیسم اروپا، صهیونیسم همه به وحشت افتاده‌اند. بنابر پیشنهاد حضرت آیت‌الله طالقانی و با امر امام خمینی، روز جمعه (۵/۵/۵۸)، در دانشگاه تهران، نماز جمعه که یکی از سنتها و ارزشهای اصیل اسلامی است، به امامت حضرت آیت‌الله طالقانی، تحقق یافت. نماز جمعه که حکایت از وحدت و همتیگی ملت اسلام و در عین حال مظهر کامل آگاهی و هوشیاری و افتخار کردن وساتس دشمن است، بسا حضور بیش از صد هزار تن با شکوه تمام برگزار شد.

پس از اذان ظهر، حضرت آیت‌الله طالقانی خطبه خواندند که در بخش‌هایی از آن فرمودند: ... با همه کار شکنی‌های استعمار، استبدادی داخلی، این صف از همان وقتیکه رسول خدا اقامه کرد تا امروز پریا است. همان صفی که امروز نتستاید. به طرف غرب پروید تا کشورهای عربی، شمال آفریقا و اواسط آفریقا این صف نما متصل است. مسلمانها، تنها قوی‌ترین امت دنیا هستید، چون متکی به حق و یک صف هستید... وحدتی که با رهبرهای قاطع اسلامی بحرکت درآمده، دنیا را نگران کرده، آمریکا، امپریالیسم اروپا، صهیونیسم همه به وحشت افتاده‌اند. بار کارهای احقانه‌ایکه در سر حد ما به راه می‌اندازند، گمان می‌کنند این صف را متلاشی می‌کنند. چیز رسوائسی برای خود نمی‌گذارند... استعمار بیاید جلو، قوتش را بیابرد جلو. حالا که از پشت پرده می‌آید، استکار بیاید، یا همه ما باید بپذیریم، یا استعمار را در تمام دنیا نفی خواهیم کرد. اگر بجای خود نشیند من بپذیرم، من ضعیف، من مریض مسلسل بدست می‌گیرم، پشت تانک می‌نشینم. اما خمینی هم خواهد کرد. او هم پشت تانک می‌نشیند. بچه‌های کوچک، زنهای ما، خواهران ما نیز همین طور.

بقیه در صفحه ۶

از طرح ملی شدن صنایع چه خبر؟!!

وقتی چند هفته پیش آقای نخست‌وزیر شخصاً خبر انقلابی ملی شدن صنایع خصوصی را اعلام داشتند. همه نفس‌ها در سینه حبس شد، در همان نقطه ایشان وعده کردند که، آئیننامه اجرائی لایحه ملی شدن، که از تصویب شورای انقلاب گذشته بود، در عرض یک هفته تهیه و ارائه شود و از هر دو خبری در دست نیست و کسی تمیذاد سند این اقدام انقلابی در کجا مدفون شده است، برای روشن شدن موضوع ضمن تماس با مقامات وزارت صنایع و معادن معلوم شد که آئیننامه مزبور برای تصویب نهایی به وزارت طرح‌های انقلاب ارسال و در آنجا بایگانی شده است. گفته می‌شود که مقامات وزارت طرح‌های انقلاب درباره ملی شدن سهام ۵۱ نفر و امکان مصادرته آن به نفع مستضعفین ابراز تردید کرده‌اند. امت هتندار میدهد که تاخیر در تصویب این آئیننامه و حفظ مبنای انقلابی آن در هدایت و هدایتی شدید کارکنان صنایع شده، ضرر تازه‌ای بر امید مردم به دولت موقت وارد می‌سازد اگر چنانکه بعضی می‌گویند این تعلل و تردید مربوط به اعمال نفوذ بعضی سرمایه‌داران و رابطه آنان با بعضی مسئولین باشند در این صورت باید نگران گسترش جو ضد انقلابی بر دستگاه و مقامات دولتی بود

پیش بسوی تشکیل جبهه واحد اسلامی ضد استبدادی، استعماری و استثمارگری به رهبری امام خمینی

کدام نماینده

ضوابط و ملاکهای حق، آنچه را در راه دست و منطبق با اصول است برگزینند. برعکس سعی می‌شود کور کورانه و به تبع احساسات این یا آن شعار را باز گو کنند بی آنکه به محتوای آن کاملاً آشنا و آگاه شده باشند.

آنها که در دل بیماری دارند و عادت کرده اند حق و حقیقت را دائماً فدای مصالح و منافع خویش کنند از این موقعیت بر ضد هر جریانی که با آنها موافق نباشد استفاده می‌کنند - سود آنان در اینست که مردم در بی‌خبری باقی بمانند.

آیا از همانها که مورد وثوق و اعتماد مردم اند، کسی نیست که توده را با اصول و ضوابط آشنا کند و علیه تبعیت‌های کور کورانه بپاخیزد و در آستانه انجام امر مهم - تصویب قانون اساسی - به مردم فرصت دهد تا مستقل از وابستگیهای غیر اصولی و تبعیت‌های چشم بسته، با توجه به معیارها و ضوابط نمایندگان مجلس خبرگان را برگزینند؟

انتخابات مطلوب در محیط و جو سالم

برای آنکه انتخابات مطلوبی داشته باشیم به محیط و جو سالم و مساعدی احتیاج داریم معیضی که در آن افراد مردم بتوانند آزادانه و فارغ از هر فشار و تحمیل مرنی - نامرئی، با حقایق آشنا گردند. اکنون که قرار است بعضی جمع بشوند و اصولی تدوین کنند که در حال بنام انقلاب اسلام معرفی می‌شود و دنیا به عنوان مظهر انقلاب اسلامی و ایدئولوژی اسلام می‌نماید، خیلی بیشتر به آن محیط سالم نیاز مندیم، سلامت محیط فکری جامعه را کدام عامل تهدید می‌کند - در رابطه با مسأله مهمی که در پیش است - بعضی میل دارند اینطور وانمود کنند که چون اسلام یک حقیقت بیشتر ندارد و قرآن و سنت و ایدئولوژی ما یکی بیش نیست تنها برداشت آنان از مکتب اصالت دارد و جز آن هر چه بگویند یا گفته شده است با حقیقت مکتب تعارض دارد و آلوده و القاطی و ایسم زده است.

بعضی عوامل و زمینه‌ها، به موفقیت آنان در رواج این طرز فکر نزد توده کمک فراوان کرده است، از جمله وحشی است که از هر جریان فکری مخالف یا مغایر با طرز فکر خودشان در بین مردم و نیروهای مذهبی پدید آورده اند.

این انشعاب و گروهها دائماً در گوش مردم از خطرهای موهومی که اسلام را تهدید می‌کنند می‌خوانند از کمونیسم تبعیظ خفناکی ساخته اند که هر آن ممکن است بر همه جا مسلط شود و همه چیز از جمله اسلام و انقلاب را نابود سازد. البته ارتجاع در ایجاد چنین محیط پر سوءظن و وحشت و خصومت سود مستقیمی دارد از تجاع یا اینکار می‌خواهد قدرت توده و نیروی انقلاب را از مسیر طبیعی خود که خواه ناخواه به نابودی وی منجر می‌شود منحرف گرداند و به مبارزه با خطری سرگرم کند که لااقل در حال حاضر فوریت نداشته و اصولاً حیات و رشد آن معلول نظام ارتجاعی و ضد مردمی است - بسیاری هم نادانسته در دام ارتجاع و تحریکات دشمن افتاده بر این وحشت دامن می‌زنند - بطوریکه مردم به آسانی نسبت بهر جریان فکری - اجتماعی که یک ذره خارج از جارجوب تنظیم شده صحبتی بسمیان آورد - مظنون می‌شوند و آنرا طرد میکنند.

آخر چگونه ممکن است بعد از گذشت چهارده قرن از ظهور اسلام و بعد از اینکه حکومت‌های پیشماری از نوع خلفا، سلاطین، شاهان، خوانین و جباران و طاغوت‌ها، مالکان و سرمایه‌داران و ریساخواران و زدهان و خلاصه اهل زر و زور و تزویر بنام و عنوان اسلام و زیر پوشش مکتب و قرآن فعالیت کرده اند. قوانین پیشمار وضع کرده، مردم را آموزش داده اند اصول و موازین مکتب همچنان دست نخورده در اختیار همگان باشد - چرا باید هر کس مکتب را بنهوی شناخت و مطرح کرد که با برداشتهای رایج مغایرت داشت، طرد شود و متهم به بدبینی یا بدبینی گردد؟ چرا باید با وجود اکثریتی در حدود ۹۸ درصد و قدرت فائقه‌ای که توده مسلمان کسب کرده و همه چیز را زیر سلطه و نفوذ خود دارد و با وجود چیزی که نمایندگان مذهب بر همه مراکز قدرت بهن کرده اند و ایمانی که خلق به رهبری و به اسلام و به انقلاب دارد. اینهمه مردم و رهبران مردم را از خطرات موهوم می‌ترسانند - بجای معرفی خطرات جدی که از ناحیه امپریالیسم انقلاب را تهدید می‌کند و از ناحیه ارتجاع اصالت

سرمقاله

مشکلات دست نخورده باقیماند، مسایل اقتصادی صنعت، بانکها، کشاورزی، بیکاری نیز از این نحوه برخورد بر کنار نمانده اند و بالاخره مسئله اقوام و خطر بروز جنگ داخلی، کاملاً پدیداست که مسئولین امور بدون توجه جتنی به عوامل اصلی ایجاد کننده بحران، همانند حکومت‌های گذشته به مسئلهها می‌پردازند - می‌خواهند ابتدا با تهدید و در صورت لزوم با عمل و اقدام نظامی بحران را خاموش کنند ولی بطور قطع اگر فقط به این روش اتکاء شود، بحران خاموش نمی‌شود که هیچ، آتش آن شعله ورتر شده بسرعت به نقاط دیگر هم سرایت می‌کند.

قدرت و قاطعیت برای یک دولت انقلابی ضرورت حیاتی دارد اما مسئله مهم آنستکه قدرت و قاطعیت را چگونه و در جهت نفی کدام عوامل بکار بریم.

آیا بهتر نبود از قدرت انقلاب و با قاطعیت مردم را از زیر سیوغ اسارت عناصر سوجدو و مالکان و خوانین و ماموران فاسد نجات می‌دادید، آیا بهتر نبود با قاطعیت و با اجرای چند برنامه ضربتی، فقر و

قدرت و قاطعیت برای یک دولت انقلابی ضرورت حیاتی دارد، اما مسئله مهم آنستکه قدرت و قاطعیت را چگونه و در جهت نفی کدام عوامل بکار بریم.

می‌خواهند ابتدا با تهدید و در صورت لزوم با عمل و اقدام نظامی بحران را خاموش کنند ولی بطور قطع اگر فقط به این روش اتکاء شود. بحران خاموش نمی‌شود که هیچ، آتش آن شعله ورتر شده، بسرعت به نقاط دیگر هم سرایت می‌کند.

محرومیت عظیم توده‌های کرد، ترک و ترکمن و بلوچ را تا حدی کاهش می‌دادید؟ آیا بهتر نبود با اقدام سریع در تشکیل شوراهای این مردم را که همیشه مورد بی‌اعتنایی و ستم رژیم‌های ضد مردمی قرار داشتند مستقیماً در حل مسایل و مشکلاتشان شرکت می‌دادید و با اینکار نه فقط روابط سوءظن و خصومت گذشته را به اعتماد و اطمینان متقابل تبدیل کرده بلکه نیروی آنها را برای حسل مشکلات و

بقیه از صفحه یک

اولین منشور

پیروزی حق با جان و مال جهاد نمایند جهاد و مهاجرت در شرط اساسی برای ارتقاء به سررتی یک مومن عضو جامعه توحیدی بود - هر مسلمانی که این دو تجربه بزرگ و اساسی را آزمایش و استقبال نمی‌کند به نصف مؤمنان راستین وارد نمی‌گشت.

جهاد و مهاجرت کوره‌های عظیم خودسازی هستند که هر کس خود را در مسیر آن قرار دهد جوهر شخصیت انسانی‌اش در آتش سوزان آنها مذاب می‌گردد و ناخالصی‌ها چون کف بیلا می‌آید و به‌کناری می‌روند و آنچه اصیل و انسانی و خدایی است باقی مانده در قالب شخصیت تازه‌ای شکل می‌گیرد - قالبی که ساخته و پرداخته ابداهای فرهنگ انقلابی اسلامی است.

بندهای گرانی که شخصیت انسانی را در لجن‌زار زندگی حیوانی متوقف می‌دارد و از حرکت آزاد و تکاملی وی جلوگیری می‌کنند - از عشق به مال و قدرت و از دلچسپی به بحیات مادی دنیا بافته شده اند بدون گسستن آنها آزادی بدست نمی‌آید و بدون آزادی حرکت تکاملی ممکن نیست.

انسانها در این رابطه به دو گروه تقسیم می‌شوند - کسانی که هم‌چنان چهار میخ اسیرند و پای در بندند و انسانهای آزاد و پویا، پندها مانع حرکت و پرواز آدمی به قله رفیع کمال اند اما برای آزاد شدن و پاره کردن زنجیرها هم حرکت و تلاش لازم است.

جهاد با مال نشانه یک تسخیر کیفی بزرگ در شخصیت انسان است. آنکس که از مال و علائق مادی خویش می‌گذرد قاعدتاً در مبارزه دشوار با نفس خود در یک مرحله پیروز شده است دل کندن از زن و فرزند، از خانه از مقام و از شغل و کسب و کار مراحل دشوارتر این مبارزه طولانی و مداوم است و سرانجام استقبال از مرگ و شهادت و نابیز شمردن جان و زندگی نشانه عروج بشر به قله انسانیت است.

برای تشکیل امت و بسی‌ریزی نظام تسویدی - به انسانهای خداگونه‌ای نیاز است که جز با عبور از یک آزمایش دراز مدت جهاد و مهاجرت‌های بسی‌ریزی و مستمر، ساخته نمی‌شوند - این حقیقت بزرگ را باید پذیرفت که در انقلابات تاریخ تنها کسانی قادر به تاریخ، قوم خود را ورق بزنند که صفحه‌نمازه‌ای در حیات خویش گشوده باشند همانگونه که انقلاب اجتماعی در جریان یک مبارزه انقلابی و دراز مدت قهرآمیز میسر

مبارزه با دشمنان انقلاب بسیج می‌نمودید. شما چگونه می‌خواهید بدون مشارکت مردم و بدون بسیج توده‌ای با ضد انقلاب مقابله کنید. یک نیروی نظامی اگر از حمایت توده‌ای برخوردار نباشد هرگز موفقیتی بدست نمی‌آورد اکنون میلیونها برادران زحمتکش ما در کردستان، و سایر نقاط حساس و بحرانی، بدلیل نحوه عملکرد دولت و مسئولین امور اعتماد و امیدی که روزهای اول پیروزی به دولت داشته از دست داده اند - بدیهی است عوامل دشمن از این زمینه مساعد بهره‌برداری می‌کنند اما قبل از هر کار باید اعتماد اطمینان آنان جلب شود که مسلماً از راه اعمال زور و تهاجم نظامی میسر نیست - راه حلی که به توصیه حضرت آیت‌الله طالقانی در سندج بکار برده شد با وجودیکه بعداً بوسیله اقدامات اساسی مشابه دنبال نگردید، نتایج فوری نیکنوی بسیار آورد و بحران را تا حدود زیادی مهار کرد - که اگر دولت می‌خواست - می‌توانست از آن فرصت برای انجام اصلاحات عمیق به نفع مردم استفاده کند و اوضاع را در جهت هدفهای انقلاب تثبیت نماید.

اعتماد به توده‌های زحمتکش

اکنون باید همان راه را در پیش گیریم - با قاطعیت و با اطمینان به توده‌های زحمتکش، با چند اقدام اساسی و ریشه‌ای - اعتماد مردم را مجدداً جلب نمائیم - مبارزه ضد استعماری با عملکرد و صریح و قاطع و اجرای چند برنامه رفاهی سریع و ضربتی و اقدام برای تشکیل شوراهای، می‌تواند زمینه مساعدی برای حل سیاسی بحران فراهم آورد.

در این شرایط حساس و بحرانی که تهدیدهای زیادی متوجه موجودیت انقلاب و مکتب است تنها یک راه حل اساسی در پیش داریم، آن بسیج و اتحاد مردم حول محور مبارزه ضد استبدادی، ضد استعماری و ضد استعماری برهبری امام خمینی است.

مسئولین امور در دولت و شوراهای باید متوجه باشند که به تنهایی قادر به مقابله بر بحران نیستند مشکلات امروز ما فقط با کمک مردم قابل حل است شیوه امام را سرمشق قرار دهیم که از آغاز با تکیه

... اینک پیامبر در مدینه است گفتند هر اقدامش نظاهر اجتماعی مکتب است - مکتب را نه تنها از روی قرآن که از روی شیوه و عملکرد رسول و آورنده‌اش می‌توان شناخت.

اولین منشور عهدنامه سیاسی - اجتماعی

پیامبر پس از استقرار در مدینه در اولین خطبه و سپس منشور و عهدنامه سیاسی - اجتماعی که برای تنظیم روابط مهاجرین و انصار و رابطه آنها با یهودان اعلام کرد، خطوط اصلی سیاست اجتماعی - اقتصادی اسلام و معیارها و اهداف و جهت حرکت جامعه را تعیین فرمود... و اگر شرایط آن زمان و نظامات و مناسبات حاکم در ممالک متحمن و غیر متحمن معاصر پیامبر را بدانیم اهمیت این منشور و عهدنامه که انقلابی در روابط انسانی بحساب می‌آید، بیشتر روشن می‌گردد.

معمولاً یک رهبر سیاسی پس از اینکه یک پیروزی چشمگیر بدست می‌آورد و در قلمرو آزاد شده‌ای استقرار می‌یابد - در اولین سخنرانی، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نقطه نظرها و اهداف خود را طرح می‌نماید. پیامبر اکرم در اولین سخنرانی خویش در مدینه پس از حمد و ثنای پروردگار و قبل از هر مطلب دیگری مستقیماً توجه حساسترین مسایل اجتماعی یعنی مال و ثروت و نحوه استفاده از آن می‌گردد و خطاب به مردم می‌فرماید:

«اما بعد این گروه مردم برای خود چیزی بدان جهان بفرستید، بدانید که بخدا یکی از شما بسیرد و گوسفندان خویش را بسی‌چسبان بگذارد، سپس پروردگارش در حالی که ترجمان و درباری که حاجب وی شود ندارد بدو گوید مگر پیامبر من نیامد و بتو ابلاغ نکرد و آیا مالی بتو ندادم و فرونی نبخشیدم - پس برای خویش چه فرستادی، در این هنگام است که براسا و چپ بنگرد و چیزی نیند. بجز بگویش بنگرد جز جهنم بنیند. هر که بتواند روی خویش از آتش نگاهدارد گرچه با نیمه خرمالی باشد چنین کند و اگر نیاید با سخنی نیک ویرا بوسیله آن نیکی داده بر سایر تاهفند برابر پاداش دهد - والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته می‌بینم که در اولین خطبه صحبت از این حقیقت است که هر کس از مال خود نگذرد و از آنچه کسب می‌کند و مازاد بر احتیاج است بسدیگران نبخشند - سرانجامی جز آتش ندارد - در جهان بعدی که ظهور نتایج اعمال است - تنها عاملی که فرد می‌تواند بدان تکیه کند و از رنج و عذاب آتش برهد - مالی است که از پیش فرستاده یا خدمتی است که بر مردم کرده است.

امت

به توده و به کمک مردم دشمن را قدم به قدم عقب نشاند و کاری معجزآسا صورت داد - مردم وقتی با دل و جان و با تمام وجود بیدان می‌آیند که ببینند شما قاطعانه با عوامل بسدیختی و اسارت و محرومیت آنها نبرد می‌کنید. مردم تشنه عدالت و برابری، رفاه و آزادی و استقلال آند - اگر شما را در تأمین این هدفها صادق و قاطع ببینند - از انجام هر فداکاری دریغ نمی‌کنند - در غیر اینصورت تدریجاً اعتماد مردم را از دست می‌دهید - این نفوذ اعتبار امام است که مردم را بشت سر هم نگاهداشته است - مردم امام و رهبر خود را در تجربه طولانی مبارزه و رهبری، قاطع، صادق، با تقوی و انقلابی و حامی و دوستدار خود یافته‌اند - عملکرد متنی شما حتی می‌تواند به اعتبار و نفوذ امام لطمه بزند. زیرا امام علیرغم ضعفها و نارسائیها برای پیشبرد کارها از اعتبار و نفوذ خویش در میان توده به نفع شما مایه می‌گذارد - فرصتها را بیش از این از دست ندهید. نیروهای مبارز را از خود ترسانید - با بره‌جسبها و اتهامات غیراصولی و بی‌اساس به استخفاف و گروها، انقلاب را از ذخایر انسانی و فکری اش محروم نسازید. امام اتحاد می‌خواهند. شما با ایجاد وحشت و سوءظن و بدبینی و منهم ساختن این و آن، موجب تفرقه بیشتر نیروهای مردم می‌شوید.

اگر حمایت بیدریغ توده دشمنان شما را خیره کرده که جدا شدن و طرد نیروهای بیشتر و اجتماعی را نمی‌بینید یا اهمیت نمی‌دهید، گفتیم، که اولاً این حمایت اصالتاً از عملکرد شما ناشی نمی‌شود بلکه بدلیل وجود امام و حمایت و تأیید ایشان از ناست. ثانیاً در دراز مدت این وضعیت جای خود را بیک عکس‌العمل خصمانه خواهد داد که مسلماً مطلوب شما نخواهد بود امروز پیروی صادقانه از توصیه‌ها و آموزنهای امام انجباب می‌کند که همه نیروهای صادق و مبارز مسلمان زیر شعار مبارز بر ضد استبداد - استعمار و استثمار برهبری امام مستعد شوند و توده ضمن یک سلسله اقدامات قاطع علیه این سه عامل شیطنی بسیج شوند و بحران به کمک نیروی خلاق و زوال ناپذیر آنها خاموش و توطئه‌های امپریالیسم، ارتجاع و سرمایه‌داری خنثی و بی‌اثر گردند.

و سپس در اولین عهدنامه بین مهاجران - اهالی مکه و قریش - و انصار - مردم یثرب - به پایهای اساسی امت و جامعه اسلامی نوپا را محین و استوار می‌کند این بیمان از یک دگرگونی عمیق و انقلابی در کلیه مناسبات موجود بین اقوام و طبقات و قبایل حکایت دارد - و حاوی پسرارزش‌ترین اطلاعات دربارهٔ خصوصیات جامعه توحیدی و روابط بین گروهها و اقشار مختلف در داخل امت است:

در اولین جمله مرز امت را از سایر مردم جدا می‌کند همه مسلمانان عضو امت نیستند بلکه آنده از مومنان که جهاد و هجرت کرده اند مؤمنان مبارز و آگاه، لذا می‌فرماید: اینان مهاجر و انصار - همگی امت واحدی هستند و مانند سایر مردم نیستند. مهاجرین قریش بر رسوم خویش بمانند و میان خود خوئیهای که بدانها تعلق می‌گیرد پردازند و قذیهٔ اسیران خود را به نیکی و به تساوی بین مؤمنان تقسیم کنند. و پستی عوف هم برسم خویش باقی مانده هر طایفه قذیهٔ اسیران را به نیکی و تساوی بین مؤمنان تقسیم کنند. و پستی ساعده و بنی حارث و بنو حشم و بنی النجار و... باید رسم خود را حفظ و خوئیها و قذیهٔ را به نیکی و به تساوی میان مومنان تقسیم کنند.

مؤمنان نباید شخص عیالمد و مفروض را بحال خود واگذارند - خوئیها و فدیه او را! تقسیم کنند مؤمنان بر ضد ظالمین و کسی که علیه آنها دسیسه کند یا ظلم و تعدی نماید یا فتنه و فساد ایجاد کند. قوای خود را دستجمعی بکار برند حتی اگر آن شخص از فرزندان خود ایشان باشد مومنی را بجای کفاری نکند و کفاری را بر ضد مؤمنی باری نکند

عهد خدا واحد (تجزیه ناپذیر) است کوچکترین فرد می‌تواند از جانب بقیه تعهد کند مؤمنان دوستان یکدیگرند. از یهود هر کس از ما تبتیث کند برای او هم یاری و کمک و تساوی خواهد بود، بدو ظلم نشود و برضد او کسی را یاری نکنند. صلح مؤمنان واحد (تجزیه ناپذیر) است. مومن بدون موافقت مؤمن در جنگ در راه خطر صلح نکند جز بر اساس عدالت و تساوی. جنگجویان هر طایفه که به کمک می‌آیند بقیه هم آنها را دنبال و بی‌گیری کنند مؤمنان در خوئی که از آنها در راه خدا می‌ریزد فممدار یکدیگرند. مؤمنان متقی بر بهترین و محکم‌ترین طریق اند.

بقیه در صفحه ۳

تا برقراری جامعه بی طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد

سیاست صنعتی و

اقتصاد کشاورزی

پس از سرنگون شدن رژیم پهلوی و پیروزی مرحله اول انقلاب اسلامی، مرحله اساسی تر و پس مشکل تر انقلاب اجتماعی آغاز گردید. بسط و توسعه حساس بودن شرایط ایران و چشم طمع امپریالیستها میبایست با قاطعیت انقلابی برنامه های اقتصادی - اجتماعی بر پایه های اسلامی هر چه سریعتر انجام می یافت تا انقلاب اسلامی تثبیت نهادهای بدست می آورد. اما دولت موقت بخاطر ماهیت خود از اجرای برنامه های انقلابی عاجز و قادر به پاسخگویی نیازهای اقتصادی - اجتماعی - سیاسی لازم و بسطی در این مرحله نبوده است.

سرمایه گذارهای زیربنایی برای اقتصاد کشاورزی - مثل ایجاد کارخانجات ماشین آلات کشاورزی، کود، نیروی کار، و افراد متخصص میتوان نامید. بر اساس این احتیاجات زیربنایی در کشاورزی، کدام مراکز تولیدی میتواند جوابگوی آن باشند، و کدام مراکز صنعتی به احتیاجات این برنامه اقتصادی که تکیه ای بر کشاورزی است پاسخگو هستند اما نه تنها پاسخگو نیستند بلکه مصرف کننده و هدر دهنده منابع انسانی و مالی نیز میگردد.

از جمله نیازها توجه به کشاورزی، نه بعنوان یک کار روستایی بلکه بعنوان برنامه زیربنایی اقتصاد و مملکت، برای زودن وابستگی اقتصادی، بوده است. اگرچه دولت خود نیز به اهمیت کشاورزی اذعان داشته، اما بخاطر درک ناقص از اهمیت زیربنایی اقتصاد کشاورزی، به ترمیم و گسترش آن بعنوان یک کار انقلابی اقدام نکرده است. عدم توجه مسئولین امور به آن نوع صنعت که در پیشرفت کشاورزی بسیار مؤثر است در هفته های اخیر دقیقاً روشن گردید. رویکرد وزارت صنایع به حمایت صنعتی مثل پیکان باروج اقتصاد انقلابی برای استقلال کشور ناسازگاری دارد.

حیاتی از صنایع ملی نباید مصرف کننده موجود هستند بماند بلکه باید بر اساس ارزشی که در یک برنامه ریزی صحیح اقتصادی نسبت به این مرحله پیدا می کند عمل گردد. انتخاب صحیح نه تنها در اصول حرکت اقتصادی - اجتماعی تأثیر بسزا دارد بلکه در جنبه های فرعی تر نیز مؤثر میگردد. اگر دولت بجای پیکان اتوبوس عمومی تولید نماید تا سرویس منظم رفت و آمد شهری ایجاد گردد مردم از آوردن ماشین به خیابانها تا حد بسیار زیادی خودداری می کنند. که این خود مسئله ترافیک را حل خواهد نمود. و مضافاً اینکه وقت بیشتر و اعصاب آسوده تر بانها بپسند تا مسائل جامعه بیشتر برده اند تا شاید کمکی به ایجاد نظارت اجتماعی مردم گردد. در نانی میتوان از هزینه خانوادها کاسته و بدین ترتیب به مشکلات اقتصادی تا حد زیاد پاسخ گویند. نالنا ضربه ای هم از نظر مادی و مهمتر از آن، هم از نظر محدود کردن «فرهنگ مصرفی» به امپریالیسم خواهد بود.

وزارت صنایع که در مسیر پشتیبانی از صنایع ملی می خواهد گام بردارد، دست به حمایت از صنعت ماشین سازی پیکان نموده است. اما قبل از آنکه حفظ صنعت بعنوان یک مسئله مورد نظر قرار گیرد، میبایست مسئله کلی تر و اساسی تر یعنی برنامه اقتصادی را بنگرد و بیاید چه برنامه اقتصادی برای قطع نفوذ اقتصادی امپریالیسم لازم است. و بر اساس آن به انتخاب اینکه کدام صنعت در این برنامه بکار انقلاب می آید پردازد.

در این هم شکی نیست که درآمد بخش صنعت بیشتر از کشاورزی است. اما این مسئله نباید ما را «به تجرد بینی» نسبت به مسائل کشورمان بکشانند. استفاده از تمام مواهب و پیشرفتهای صنعتی زمانی مشروعیت پیدا می کند که هدف اساسی یعنی ایجاد انسان و جامعه خداگونه را تهدید نماید. در مکتب ما انسان شدن مکرول به نهاد اقتصاد نشده است. پس باید رابطه وسیله و هدف در سیر تکامل انسان بدرستی تشخیص داده شوند. هدف مانع رسیدن به غرض صنعتی شده است و نه در صنعت بیشترفته صنعت وسیله است اما اگر درست استفاده نگردد باز خود را در اغوش باز امپریالیستها باید بیافکیم. «همیم»

حال ببینیم وزارت صنایع چه انتخابی را ابلاغ داده و این انتخاب تا چه حد در زنده نگاه داشتن انقلاب تأثیر میگذارد. بطور مثال ادامه ساختن پیکان را در نظر بگیریم. در هر برنامه اقتصادی، بنابر اینکه در چه جهت اقتصادی حرکت بکند - صنعتی - کشاورزی - خدمات - میبایست سرمایه گذارهای زیربنایی و روستایی متناسب انجام گیرد. برای اینکه انقلاب اسلامی ایران هم بهرکت خود ادامه دهد بروضاحت است که اقتصاد باید تکیه کشاورزی داشته و از صنایعی که در جهت مکانیزه کردن آن حرکت می کند، نیز حمایت نمود.

بقیه از صفحه ۷

گزارش روستائی

استمرار بر دست و پای روستائیان است بصورت اجاره ای صورت میپذیرد بدین ترتیب که مواد اولیه و هزینه های لازم را یکی از تجار فرش تبریز تأمین می نماید و روستائیان بصورت روزمزد به قالیبافی میپردازند.

مشکلات کار کشاورزی:

- ۱- عدم وجود استطاعت مالی برای شروع کار از قبیل: خرید بذر، نخم زمین ها، مقابله با بیماریهای گیاهی و...
 - ۲- عدم وجود تراکتور برای نخم زدن مزارع و نامناسب بودن قیمت نخم با تراکتور.
 - ۳- عدم وجود تعداد کافی گاوآهن برای نخم.
 - ۴- گرانی هزینه کارگرانی که برای برداشت محصول بکار گرفته می شوند.
 - ۵- امکان بروز آفات و عدم امکانات مبارزه با آن.
 - ۶- عدم تأمین و تضمین از طرف دولت در مورد خرید محصول و تأمین خسارات نسانی از حوادث.
- در تماسی که با مسئولان ستاد جهاد سازندگی تبریز گرفته شد برای راه سازی این دهات، جواب دادند طرحی در رژیم قبل به تصویب رسیده که آنرا اجرا می کنیم. در صورتیکه طرح راه سازی قبلی تنها دو روستا را در بر میگرفت ولی با جزئی تغییر در طرح جاده سازی، می توان جاده را طوری ساخت که هر شش روستای منطقه را در بر گیرد ولی با این تغییر در ستاد جهاد و سازندگی موافقت نگردیده است و گفته اند که اگر جاده سازی شروع نموده همان طرح پیشنهادی در رژیم قبلی قابل اجراء است.
- آلبی -

جلسه

بحث وحدت

درونی است که وحدت اصیل و ریشه ای انسانها را سبب می شود. وحدت واقعی از زمانی شروع می شود که مبتنی بر آگاهی باشد. یعنی وقتی که مردم به وضعیتشان و واقعیات موجود خودشان واقف میگردند. سپس چه باید کرد را شناخته و جهت را یافته و از آن پس بر اساس شناخت و عقیده عمل میکند که بهترند و تکامل خواهند رسید....

در ادامه همین بحث سخنان تسویه داد که «ممکن است بیکباره زیر پرچم وحدت بظاهر اسلامی کسانی برویم که هیچگونه نقطه اشتراکی با ما نداشته باشند، که سپس همان وحدت قلبی تبدیل به جفا و سرپوشی برای ما و تمام دستاوردهای انقلابی بشود.... اولین قدم برای ایجاد وحدت واقعی، محکوم کردن و افتاء نمودن چارچوبهای فئری و ظاهری است، که بسیار هم خطرناک بوده و موجب پوسیده شدن حرکت اسلامی می شود، از دیدگاه اسلام وحدت اصالت دارد، یعنی وحدت فطری بوده و متناسب با نیازهای اصیل انسان می باشد.... وحدت واقعی می تواند بر اساس مواضع و خطوط مشخص و مصادقهای بازار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اسلامی محقق گردد».

جلسه بحث پیرامون مسائل وحدت، این هفته در روز پنجشنبه ساعت ۵/۰ بعد از ظهر نیز ادامه خواهد داشت. شرکت همه گروهها و افراد متعهد به ایجاد وحدت نیروهای مترقی و انقلابی در ایجاد جبهه واحد ضد استبداد - استعمار و بهره گیری امام خمینی، در جلسات بحث، گامی است در اتحاد برای تداوم انقلاب و تسریع نابودی امپریالیسم و ارتجاع.

نوعه های رسیده

• مراحل انقلاب - وظایف انقلابی

مراحل انقلاب - وظایف انقلابی طی بررسی دقیق انقلابهای اصیل در طول تاریخ و تحلیل مکتوبات از این بنیادی ترین و فشرده ترین جریان تغییرات یک جامعه، نمودار روند تدریجی انقلاب جلوه بارزی از اصالت های قومی و فرهنگی یک جامعه انقلابی است. در پیرویه روند انقلاب نمیتوان به قانونهای یکسان و ثابت در تمام رهنما دست یافت چه شرائط گوناگون اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی هر جامعه در روند و اساساً روند پذیری این نهادها بخش تأثیری ناهمگون می بخشد.

برای روشنگری بیشتر مطلب را بازمی کنیم تا مفهوم تر گردد. به عبارتی اگر مبداء مشخص برای یک انقلاب اعتبار نداشته و بعد از پیروزی و جاگیری ارزشها و ملاکهای جدید تا حد قابل ملاحظه ای پیش برویم و سپس در این فاصله زمانی، به ۳ دوره کاملاً متمایز مبداء - پیروزی - ادامه انقلاب برمیخوریم که بی نهایت قابل مطالعه است.

مرحله نخست شامل انعقاد نطفه یک انقلاب است. با حیاتی بنیاد و بی ثبات از طرفی همین بی ثباتی و از طرف دیگر هجوم ضد انقلابیون حیات سیاسی اعتبارش را مختل می سازند. ولی اگر این نهضت از عمق وجدان آگاه توده برخاسته باشد و توسط روشنفکران بطور صحیح و اصولی و منطبق با شرائط و جو حاکم کانالیزه گردد ادامه حیات، داده و قویتر می گردد. و این بی ثباتی به گلوله برقی کوچک و غلغان در سرانجامی برآورد یک دره نیست هر چه بیشتر برزگر و بی ثبات کن تر میشود. یک انقلاب هم برای تغییرات جامع و پیشرفت بی نیاز از جذب نیرو و قدرت نیست یعنی مردمی شدن و این کسب قدرت و بسزگر شدن و فراهم آوردن نیروهای درون خلقی در لوی یک پرچم و یک حرکت مردمی و اصولی و پیشرو سریع انقلاب همه به عهده نیروهای پیشواز و رهبری نهضت است. و حال کادرهای رهبری تا چه حد در این امر موفقند بستگی به موضوع گریه های صحیح و منطقی در ضمن انقلاب و اصلاح بستگی به شناخت صحیحی از بافت اجتماعی و طیف نیروهای خلقی و درک واقع گرایانه ای از اوضاع حاضر جامعه دارد. نتیجتاً انقلاب به جمیع شرائط در رابطه با یک برخورد فهرآمیز مسلح است. و در این مرحله است روبرو هستیم.

و السلام
با احترامات قافله بالا زاده

• ارتش مردمی کدام است؟

ارتشی بنامیم. ۳- معیارهای گذشته جهت ارتقاء درجه و اعزاز بست های بالای ارتشی مسلمند که غلط بوده دگرگونی این معیارها بر اساس معیارهای اسلامی (لیاقت و شایستگی) باید مورد توجه قرار گیرد. راه برای همه باز باشد چنانچه سرپای دارای این خصوصیات بود بتوانند ترقی کنند و نظام غلط طبقاتی را در هم بریزیم.

۴- تاکنون ارتش سازمانی صدرصد مصرفی بوده. این عاقلانه و درست نیست که بخش عظیمی از نیروی انسانی و وسائل و ابزار را در بسادگان محصور نماییم جهت روز مبادا و قسمت بزرگی از نیروهای جوان ما که اکثریت از طبقه کشاورز بوده قبلاً مدت دو سال و در حال حاضر یکسال را به بهانه آموزشی نظامی به بهیگاری بکنیم. آنچه سازمان ما می گردند بعنوان فنون نظامی میتوان در مدت شش ماه به آنها یاد داد بقیه مدت خدمت را میتوان بفرآخور حصال و زندگی آنها آسوزش کشاورزی و کارهای فنی ساده گذراند که از این راه قسمتی از بوجه ارتش را تأمین کند. با دانه کردن مزارع کشاورزی دامپروری و کارگاههای فنی میتوان محصولات را هم بدست آورد. در بخش جهاد سازندگی ارتش بهتر از هر نیروی دیگری اگر درست هدایت شود میتواند نمر به بخش باشد.

اگر ارتش ما این خصوصیات را دارا بود میتوان گفت ارتش مردمی داریم

ستوان یکم - هامانی

توجه

خوانندگان عزیز از رهنمودها و انتقادات که در پیشبرد کار ما مؤثر می باشد بسیار سپاسگزاریم ذکر چند نکته لازم گردیده است. خواهشمندیم نامه هایتان اگر تائیدی نیست یا خط خوسا نامرقوم نمایند. هم منظور تاریخ و بخصوص اسم و آدرس و نیز ذکر بفرمائید. تا اگر لزوم جواب کتبی باشد بتوانیم آنرا ارسال نماییم.

اولین منشور...

هیچ مشترکی حق ندارد و جان فرس نباشد گیرد و جلوی تسلط مومنان بر آن بگیرد. اگر کسی مؤمنی را (بدون ارتکاب جنایت) بکشد و تائب نشود - باید کشته شود مگر آنکه وی مقبول رضایت دهد. همه مؤمنان علیه قاتل اند.

مؤمنی که به این عهدنامه اقرار کرد و بعهد و روز آخرت ایمان داشت محاربت بدست بدست گذارد خلافکار را باری کدینه بدهد. اگر کرد لعنت خدا و خشم او در روز قیامت علیه وست و توبه و فدیه و پدیرفته بشود. اگر در چیزی اختلاف کردید مرجع شد خدای عزوجل و محمد است.

بهدو تا وقتی همراه مؤمنان می جنگد باید اتفاق کنند امری بدهد یا بپسند.

بهدو بنی عرف با مؤمنان یک ملت اند. آنها بر دین خود و مسلمین بر دین خود بدون تفاوت خود و موالی آنها - مگر کسی که ظلم و گناه کند.

خون کسی بی جهت باطل نشود هر که دیگری را غافلگیر کرده خوش بربرد و بائش دامنگیر خود و خانواده اش خواهد شد مگر آنکس که ستم دیده باشد که در اینصورت خدا بدان رضایت خواهد داد.

بهدو و مسلمانان هر کدهم در جنگ عهده دار مخارج خود هستند و کسانی که برضد نامردگان در این عهدنامه جنگ بریزند. هر یک از بهدو و مسلمانان باید دیگری را در جنگ با آنان باری دهند و قیامین آنها نصیحت و خیرخواهی بفرار بیاورند، و بجای بدی و گناه، نیکی باشد و هیچکس بهم سوگند خود بدی نکند پار و مددکار مظلوم باشند.

بهدو با تا زمانی که به کمک مسلمانان در جنگند مخارج جنگ را باهم بپردازند برای پیروان این عهدنامه شهر یرث (مدینه) منطقه امن و حره است. همسایه هر کس مانند خود اوست زیان و بدی نباید به او برسد هیچکس را جز با اجازه کماش نمی توان پناه داد. و اگر میان پیروان این عهدنامه مشاجره و نزاعی روی دهد که ترس آن باشد مبادا منجر به فساد گردد، مرجع حل آن خدای عزوجل و محمد پیامبر اوست و خدا بمندرجات این قرارداد رضای و خشنود است.

... بهدو اوس و غلامان نیز از حقوق و مزایای نامردگان در این عهدنامه بهره مند خواهند بود و با آنان به نیکی رفتار خواهد شد. و هر کس را انجام دهد نتیجه اش عاید خود او خواهد شد و خدا بدردت ترین وجهی از مندرجات این عهدنامه رضای و خشنود است. این قرارداد از ستمکار و مجرم حمایت نمی کند هر کس (از مشمولین عهدنامه) از شهر مدینه خارج و یا در شهر بماند در امان است مگر ستمکار و جنایتکار - خدا و محمد پیامبر او پناه نیکوکاران و پرهیزکاران اند» این منشور گویاتر از آنستکه احتیاجی به تفسیر و توضیح داشته باشد

با اینحال توجه به چند اصل اساسی ضرورت دارد: اول - مفهوم امت واحد و شرایط کسانی که می توانند عضو این امت باشند

دوم - تساوی کامل در حقوق و وظایف بین اعضای امت سوم - استقلال و آزادی در حفظ رسوم و آداب حاضر هر قوم و قبیله در عین حال که عضو امت اند.

چهارم - مساوات بین اعضای امت یعنی هیچکس نمی تواند بی اعتنا به سرنویشت سایر افراد باشد و تأمین نیازمندیها و حقوق و دفاع از یک مرز در برابر ظلم و تجاوز بر همه افراد واجب و فرض است.

پنجم - مبارزه با جنایتکاران و ستمگران و کمک و دفاع از مظلوم و طبقه همه افراد امت است ششم - رعایت تعهدات یک مؤمن برای بقیه افراد امت الزامی است هفتم - پیروان سایر مذاهب تا وقتی از نظام و مقررات جامعه تبعیت می کنند دارای حقوق و وظائف مساوی با دیگران هستند. هشتم - مؤمنان متقی پیشتر ازان جامعه اند و منشی و پیش آنها بهترین و محکمترین است. نهم - تنها جنایتکاران و ستمگران از حقوق و تکالیف مندرج در این عهدنامه مستثنی بوده و جامعه از آنها حمایت نمی کند و برضد آنهاست. دهم - هر فرد فقط مسئول اعمالی است که خودش انجام داده و نتایج آنرا خود متحمل می شود دیگران را در مسئولیت جرم و جنایت دیگری نباید شرکت داد. هر یک از این اصول و مواد مستثنای یک تفسیر بنیادی در مناسبات سیاسی، حقوقی و اقتصادی گذشته بود. بطور مثال اصل اخیر که هر کس منحصرأ مسئول اعمالی است که شخصاً انجام داده سفرزات و رسوم جاهلیت را که اگر فردی مرتکب خطا یا تجاوز و جرمی می شد همه افراد قبیله اش در معرض استقامتجوی قرار

بقیه در صفحه ۵

توطئه امپریالیسم و صهیونیسم را در جنوب لبنان محکوم کنیم

سخنی با تو

ای برادر گذری باید کرد. و از این شهر.

و به جای مخیل، بهمن خویشتن باید رفت

من از این زری بی رنگ طلا بیزارم و زمانی که تو بیچاره و بی نام به روی نسیم گشته خود میخوابی. من لعاف و تشک و بالش قدیم را، تزویر و گنه میدانم

من ز تاریکی این نانیها بیزارم و زمانی که به تو میترسم و ز تو قصد نیازی دارم توجه آهسته و آرام ز من میگیری و نگاهت را، سرد و صامت روی این نانیها میدوزی و به من میگوئی:

آه - ای دوست، سرم مشغول است و خدا میداند که شرمی دارد و پشت این ساعت و این نانیه ساکت ماندن و زمانی که به جای نسیم از سینه مادرهامان

سیل خون میریزد و زمانی که برادرهامان در درون نطفه از تماس سرب، با نطفه خود میمیرند

فکر فردا مانند و از این شاخ به شاخ دیگری پریدن، جدا از همه این خونها فکر پول و طمع و خواب جواهر دیدن

ای برادر گذری باید کرد و از این شهر تباهی و سیاه که بر اندیشه ما با پرجاست، سفری باید کرد.

شهر اندیشه ما پر زنسب و بیماریست سب پول و هوس و عشرت و صدا گنه و بیماریست سر خود را باید کم کم،

از این بقیه بیرون کرد و نگه کرد چگونه از شهر بوی خون میآید

بوی خون مردم بوی خون تازه بوی خون شهدای مظلوم پشت صد دروازه آری - آری دنیا رنگ دیگر دارد

و کدامین عاشق پشت این نانیهای قرمز فکر و اندیشه معشوق خودش را دارد؟ و کدامین مادر؟ و کدامین کودک؟

بشت رگبار مسلسلها از مردن خود میترسد زندگی رنگ عجیبی دارد رنگ خون سیاہ پارت رنگ ایمان و نبرد و برانداختن این همه تزویر و گناه و طاغوت آری، آری، نگهت را کم کم

روی من برگردان و نگه کن که تن منله و بی جان برادریات به امید دست و تقاضی دیگر در میان همه این خونها خوشحالند و ترا در خود فریادزان به تقاضی همه

این خونها، میخوانند رامین جوادیان گیلانی بیستم ژوئن ۱۹۷۹ تگزاس (امریکا)

آرام بگذاریدمان!

تقدیم به مجاهدی که با نور معرفت دل نساها می شکافت. و در شب نسیم به نهادهای نشست.

آرام بگذاریدمان این نسلهای بوسیده شیطان ای چکه ها و قظره های فقر آزادمان بگذارید

که ما از سرخ نسل سرخ سرخ زاده علی (ع) ره به قرین سکوت تاخته ایم با فریاد یا طوفان ما گللهای خشم و نفرت کویر را به صد خون، آب داده ایم به هوس

ای خبیثانه بازی نسوم آزادمان بگذارید که ما را خوتنهای بسیار ریخته اند و باز نایستاده ایم هنوز رو گلگون کفتان بین ما قیافه های خشم مهر انقلاب به پیشانی از لبانشان مرگ بر منافق برمی خیزد

کتون تازه خفته اند در قبر *** از چه می ترسانید مارا ای مزدوران شرق و غرب ره به کجا نید؟ در کدامین اندیشه نسوم دوباره دست به اسلحه خواهید برد در زیر جادر نساها! الا ای بت خصم ای گرگ پیر شرق ناله های گرگ زور غرب ای نسوم ترین فاجعه

صهیونیسم ما را هزاران تازیانه و گلوله اجاقهای سوزان درون دخمه های گرم پرورش داده اند بهوش آرام بگذاریدمان که خنجرهای براق خشم خلق به تکاپو فتاده است کتون آزادمان بگذارید آزاد

سخت بترسید که مرغ جان، در مرداب تن با پرواز انسانست و مارا ترسی نیست و هراسی نیز آزادمان بگذارید که ما در زفاف سرخ خون و گلوله در آن لحظه نسیرین که گلوله ها را به اغوش داشتیم به صبح پیوستیم به نور... *** ما کجا بودیم...! و... مهدی کاظم زاده آزاد - تبریز

ای خبیثان آزادمان بگذارید ای قظره های جنایت ای فاجعه های تنگ ما نمی هراسیم از مردن و ترسمان از بودن و خاموش نستندن باند وای... بترسید که خنجرها می جنبند خنجرهای خشم و نهامت برهنه می نسود هشدار... ۵۸/۲/۱۵ حمید خادم الرضا

در یک فضای بسته و بی روزن آری، دروغ روشنترین حقیقت محض است! مهدی کاظم زاده آزاد - تبریز

«دروغ»

در یک فضای بسته و بی روزن آری، دروغ روشنترین حقیقت محض است! مهدی کاظم زاده آزاد - تبریز

رادیو تلویزیون بعنوان یک رسانه گروهی، بدلیل ارتباط خاصش با مردم و همینطور بدلیل موقعیت خاص اجتماعی و سیاسی ایران -

و بیسودی بسیاری از مردم، از پرتوجه ترین وسایل ارتباط جمعی است. همچنین در سطح جهانی از همین جنبه غارتگران پسن المللی از آن بعنوان مؤثرترین وسیله در تحمیل و تخریب توده های مردم سود می جویند و زمینه های استعمار و استثمار را در بین ملت ها بوجود می آورند و اما از طرف دیگر همین وسیله در جوامع انقلابی، بعنوان زبان انقلاب، در حالیکه حول یک محور اصولی و انقلابی بکار بردازد، می تواند با تسریع و تبلیغ افکار نو و انقلابی، راهگشای مبارزات ضد استعماری و استعماری و استبدادی باشد. دارای آنچنان توانایی است که بتواند بنیانه یک کلاس همچو گستر، بعنوان یک مسجد، بعنوان یک دانشگاه و بعنوان یک عمل نماید و مؤثرترین گامها را در جهت زدودن گرد و غبار جهل و خرافات و جاسازی اندیشه های نو و انقلابی و مؤثرترین نقش را در بسیج توده ای در راه مبارزه با نیروهای شیطان در یک جامعه سالم و انقلابی بردارد. تمامی این اهداف و خواسته ها زمانی تحقق می یابد که روند کار حول یک محور اصولی، منطبق، موازین فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک، بخصوص بدون وابستگی به این یا آن گروه سیاسی اجتماعی و مستقل از دولت عمل نماید. یعنی بصورت سخن گوی گسروه با گروه های خاصی عمل ننماید.

با کمال تأسف در طی چند ماهی که از پیروزی میگذرد. رادیو تلویزیون نتوانسته آنطور که باید و نباید بوظیفه و رسالت سنگینی که انقلاب بر دوشش نهاده عمل نماید و پاسخگوی انتظارات مردم باشد. توده های مردم را که تا دیروز با بی اعتمادی کامل به برنامه های تبلیغی و آموزشی رژیم می نگرستند راضی نگه دارد. امروزه ما شاهد بسعد دیگری از بی اعتمادی و بی تفاوتی نسبت به برنامه های ارائه شده از طرف این سازمان هستیم. عدم بیان صریح و روشن مسائل و - ادبی که اینجا و آنجا رخ میدهد در بسیاری موارد سکوت در قبال حوادث و زمانی تحریف و قلب حقایق بی این اعتنا بی ها را دارا من زده است. اوج گیری توجه مردم به رسانه های خبری امپریالیستی بخصوص بی بی سی خود دللیلی بر اثبات این واقعیت تلخ است ادامه چنین روندی رادیو تلویزیون را بصورت «جوبان دروغگویی» درخواهد آورد که اگر روزی حقیقتی را هم بیان بکند با بی توجهی عموم روبرو گردد این حسالت بخصوص در رابطه با افراد و اقشاری که ناتوان از تجزیه و تحلیل درست و منطقی مسائل سیاسی اجتماعی هستند مصداق واقعی پیدا میکند. متأسفانه ما تاکنون یک اعلام برنامه اصولی و منطبق با خواسته ها و اهداف انقلاب ندیده ایم. اینکه در این آشفته بازار سیاسی، رادیو تلویزیون چه مسیری را طی میکند و چه اهداف و برنامه های اصولی دارد معلوم نیست و کسی نمی داند مضافاً به اینکه هنوز ما در مقابل چهره های هستیم که با سخا داده نشده و اگر هم در ابعادی جواب گفته شده صرفاً جنبه روپنایی داشته و فرستگها فاصله با سوعیت انقلاب و شرایط حاکم دارد. حتی در حد برنامه های تفریحی سالم و اخلاقی نیز کار چندانی صورت نگرفته هجوم مردم بسوی فیلم های مستیبل که نمایش آنها مجدداً بدون هیچ رابطه و ضابطه ای شده دلیل عدم کار کرد درست در این زمینه است.

چه باید کرد؟

حال که این فرصت گران بها را انقلاب در اختیار خلق ما قرار داده، بایستی به نحو احسن استفاده کرد. از این نظر یکی از هدفها تیکه رادیو تلویزیون بایستی دنبال نماید و در صدر کارهای خود قرار دهد بطوریکه حتی سایر برنامه ها را نیز تحت الشعاع آن تهیه و تنظیم گردد. آموزش های ایدئولوژیک سیاسی برای توده مردمی است که از این جنبه در فقر فکری بسر می برند و این مسئله بصورت حلقه عظیمی در بین آنان خودنمایی میکند. حرکت در جهت رفع این مشکل نه تنها در تداوم انقلاب و افشاء ماهیت و عملکردهای ضد انقلاب مؤثر است بلکه بزرگترین گامها در جهت انقلاب فرهنگی و مبارزه با خصصتهای غیر توحیدی و ضد توحیدی برداشته میشود و در ادامه چنین روندی است که حلقه و فاصله عظیمی را که نفوذ فرهنگ منحط غربی در بین بخصوص اقشار جوان با

رسالت رادیو تلویزیون

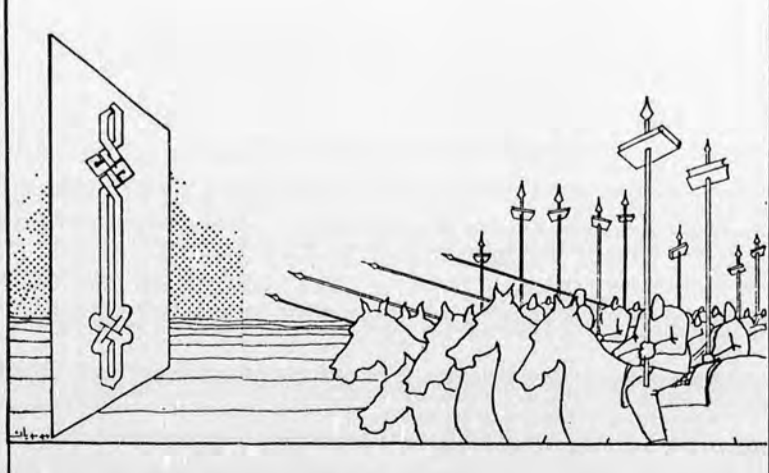
فرهنگ اصیل و پویای اسلامی انداخته، بتدریج برمی شود و از این رهگذر قدم های مؤثری در جهت تجدید بنای فرهنگ و تمدن اسلامی و بیداری وجدان اسلامی در بطن جامعه برداشته میشود. از طرف دیگر با اجرای چنین طرح هایی قادر خواهد شد آن بسخس از مردم را که بدلیل داشتن شور و احساسات مبارزاتی و قاطعیت و صداقت رهبری، جذب انقلاب شده بودند و حتی دارای بینش درست اسلامی هم نبودند و متأسفانه بتدریج از کانون انقلاب دور میشوند، حفظ کرده و بعنوان نیروهای انقلابی و وفادار به انقلاب مورد استفاده جنبش قرار دهد. بدینی و بی اعتمادی و عدم سازگاری خیلی ها با انقلاب بیانگر این واقعیت تلخ است که این رسانه نتوانسته به رسالت سنگینی که انقلاب بر دوشش نهاده عمل نماید. از طرف دیگر، با معرفی و افشای جنایات رژیم های گذشته و ضایعاتی که در جنبه های اقتصادی و فرهنگی نصیب مردم و جامعه ما گردیده بوده دست به روشنگری زده و تسوده مردم را در مبارزه با بقایای رژیم و عمال وابسته و مرتجع مصمم تر گرداند. با افشای ماهیت امپریالیسم و سایر نیروهای جهانخوار و جنگونگی نفوذ و عملکرد آنها در ارکان جامعه اراده مردم در مبارزه با آنها استوارتر گرداند. بخصوص در شرایط فعلی که بازار توطئه ها و تباہیات و در سطح جهانی بر علیه انقلاب ایران اوج گرفته، با افشای ماهیت تباہیات و جنگونگی اجرای آنها در جامعه و نشان دادن راه اصولی مبارزه با امپریالیزم و تبلیغات ضد انقلابی آنها قدم های انقلاب را بسوی هدف سریع تر گرداند و با حرکت از یک روند اصول و کاتال صحیح دست نیروهای مرتجع را که در نقاط حساس با تیکه بر امپریالیسم جهانی دست به تحریکات، و دسایس حساب شده ای می زنند تا با بلوت کشیدن انقلاب و بی اعتبار کردن رهبری در اذهان ساگا، و ایجاد بی تفاوتی عمومی نسبت به سرنوست انقلاب از زمینه های یک کودتای احتمالی را فراهم نمایند و

جاه را برای نفوذ هرچه بیشتر اجانب هموار سازند، رو کرده و بسا طرحد و افشای بموقع دسایس و توطئه ها، نشان بدهد که مردم بحساب می آیند. اما با کمال تأسف در بسیاری موارد بسا سکوت و در مواردی با تاخیر زیاد مردم را در جریان حوادث قرار دادن و اینجا و آنجا با بیان متناقض جریانات (دو نمونه مشخص در رابطه با مسئله، حاتیس جاکوب و مسئله بسبارانهای عراق) عملاً مردم را در یک نوع دغدغه فکری و نساواری نسبت آنچه رخ داده، غیرمستقیم بهنر و شروع تباہیات کمک کرده و عملاً دست دسیسه چینان را در اجرای برنامه هایشان باز گذاشته است. و در موارد زیادی با انحراف از مسیر اصلی مبارزه و کساندن مردم به راههای انحرافی اختلافات گروهی و سازمان و عمده کردن مارکسیستها (هر چند که ما منکر فرصت طلبی بسیاری از نیروهای مارکسیستی و دخالت های مستقیم و غیرمستقیم آنها در جریانات اخیر نیستیم) عملاً اذهان و افکار را مستوجه جنگ های حیدری و نعمتی نسوده و دست امپریالیسم را برای ادامه تحریکات باز تر میگذارد. مضافاً بر اینکه با پایمال کردن حق دموکراتیک گروهها و سازمانها و ترویج نفاق و بدینی را در بین توده ها به اختلافات گروهی و مسلکی داخل زده است. و بهجای آنکه با تیکه بر تشنج زدایی و نزدیکی اقشار و گروه های مردمی بخصوص گروه های مترقی اسلامی، گامی در جهت وحدت کلمه که امام مکرراً بر آن تأکید دارند، خود بصورت وسیله ای برای ایجاد تشنج و تشتت افکار در آمده و از این رهگذر ارتجاع در اجرای برنامه های شومش آزادتر گذاشته است.

مشکل و پیچیدگی کار در کجاست!

مشکل اساسی که در مجموع یک نوع تشنج و تشتت فکری بر سازمان حاکم کرده و باعث ایجاد این همه جارو جنگال و دامن زدن به اختلافات گروهی و صداها مسئله و مشکل دیگری که در مقطع کنونی اصلاً به نفع انقلاب نبوده و نتوانسته (می تواند) بعنوان سر نخ هایی مورد استفاده نیروهای ارتجاعی برای ایجاد اخلال و بی نظمی و هر چه ومرج قرار گیرد، نده نامی از عدم وجود یک نظام مستقیم منبث از انقلاب است یعنی آنچه که منجر به ایجاد این همه تباہ و فاجعه شده بدلیل حاکمیت یک بقیه در صفحه ۵

درود بر آیتاله طالقانی، مجاهد نستوه



گزارشی از کارخانه نخ ریزی...

کارگران کارخانه می‌بایستند برادران اعضای شورای اسلامی کارگران ده نفر هستند که توسط کارگران انتخاب شده‌اند ولی منافسانه تاکنون هیچک از مقامات رسمی این شورا را که نماینده کارگران هستند نتأید نکرده‌اند...

باید بگویم که ما به انقلاب معتقدیم و تا خون در رگ داریم با انقلاب پای بندیم و حتی حاضریم با نان خشک زندگی را بگذرانیم. ما خواستار محاکمه افرادی هستیم که ما را تحت فشار گذاشته بودند. ما خواستار دادن قدرت اجرایی بشورای کارگری و برسمیت شناختن آن به عنوان نماینده رسمی کارگران می‌باشیم، تا بتوانیم قوانین قرآن و اسلام را پیاده کنیم

معتقدیم و تا خون در رگ داریم به انقلاب پای بندیم و حتی حاضریم با نان خشک زندگی را بگذرانیم. ما به رهبری قاطع و سازش‌ناپذیر امام خمینی کاملاً معتقدیم ما کارگران اعلام می‌کنیم که آنهایی که سنگ کارگر را به سینه می‌زنند هیچ تکیه گاهی ندارند، بدانند ما کارگران آفتاب آگاه هستیم که تحت تأثیر آن‌ها واقع نشویم. ما مجلس خبرگان را نیز کاملاً تأیید می‌کنیم و با پشتیبانی خود در دهن مخالفان آن می‌زیم و آن‌ها را در خواستهای ما و با اهداف شورا...

نسل مصرفی واتومبیل

سئوالی که مطرح است اینست که ما تا چه میزان حق داریم منابع و ثروت طبیعی خود را فدای نسل حاضر کنیم و برای فرزندان دیگر مینمان در نسل‌های آتی تباهی و خشکی و حسرت باقی بگذاریم...

در این نوشته نیکه بر مصرف داخلی مواد سوختنی است که بی رویه همچنان ادامه دارد و مشکلات ناشی از این مصرف زیاد همچنان دست‌وپاگیر مردم شده است. ما با داشتن بیش از ۲ میلیون وسیله نقلیه شخصی در تهران و شهرستانها روزانه بیش از ۱۰ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌نماییم و بهتر است بگوئیم بیش از ۱۰ میلیون لیتر بنزین دود می‌کنیم...

Table with 2 columns: Year, Consumption (Liters per person per day). Rows show data for 1970, 1975, 1980, 1985, 1990, 1995, 2000, 2005, 2010, 2015, 2020.

آمت

- ۳- تعمیرگاههای اتومبیل‌ها خلوت میگردد.
۴- بدلیل بالا، کیفیت تعمیر اتومبیلها بالا رفته و بدلیل فرصت کافی برای تعمیرگران بسیاری از قطعات که اکنون بدلیل کمبود وقت تعویض میشوند، تعمیر گشته و استفاده مجدد امکان‌پذیر خواهد بود.
۵- مأمورین راهنمایی و رانندگی به کار واقعی خویش که راهنمایی است خواهند پرداخت به حریبه و جدل و جنگ اعصاب.
۶- مهمترین نکته خلوت‌شدن خیابانها و جلوگیری از پرسه‌زدن بیجهت اتومبیل‌هاست.
۷- جلوگیری از سرفت اتومبیل‌ها - برآ ساری برای اتومبیل باید بترین تهیه کند که البته تقصیر بزرگ نزد دارند اتومبیل میباشد.
۸- تشویق مردم به استفاده از وسایط سببه عمومی و دوچرخه و پیاده‌روی.
۹- تحرک بیشتر تاکسی‌ها و اتوبوس‌ها - تحرک تاکسی‌ها و اتوبوس‌ها تا سه برابر خواهد رسید.
۱۰- با صرفه‌جویی روزانه ۴۰۰ میلیون ریال در ارز میتوان با ساخت‌های بنیادی و با رفاهی پرداخت این پیشنهاد یکبار در کمسیون ترافیک تهران مطرح گردید ولی متخصصان مربوطه با بی اعتنایی و غرور تخصصی نسبت به آن توجهی نشان نداده و طرح موصوبه خویش را که دارای اشکالات عدیده‌است ترجیح دادند و البته هنوز از آن طرح خبری نیست. مصطفی هاشمی

بقیه از صفحه ۴ رسالت رادیو...

سیستم فردی است که هیچ رابطه اصولی با انقلاب و اهداف آن ندارد. مضافاً بر اینکه بدلیل وابستگی‌های این سیستم به گروه‌های گوناگون و گافاً متضادی، که حتی از نظر سیاسی هم موقعیت تثبیت شده‌ای ندارند، برای حفظ منافع و تثبیت موقعیت خود منجر به نفوذ چنین نظرگاه‌هایی در آنجا شده و مدیریت حاکم را به نوعی مسانعات و سازش واداشته و نتیجتاً باعث شده برنامها در مسیرهای دلخواه گروه‌ها کشانده شوند. ضد و نقیض گویی در اخبار و بیان حوادث و ارائه مطالب دقیقاً نتیجه یک چنین نظام بی‌سروتهی است که در تحلیل نهایی این رسانه را بصورت مجموعه‌ای بیگانه با انقلاب و اهداف آن درآورده و در مسیری انداخته که عملکردش جز به زیان انقلاب تمام نمیشود. از این نظر ما معتقدیم رادیو تلویزیون با بستنی با تکیه به شورا، آنهم در مفهوم درست اسلامی، بصورت ارگانی مستقل از دولت و بدون ذره‌ای وابستگی به این یا آن گروه اجتماع سیاسی، درآمده و عمل نماید. رادیو تلویزیون مستقل بسمه سرود است و قهرأ نمی‌تواند سازگور گشته نظرگاههای اقتدار و گروه‌های خاصی باشد. و این نتیجه‌ای جز بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی قنترها وسیع و گروه‌های متعدد اجتماعی را بدنبال نخواهد داشت. این ارگان با بستنی در چهار جوب دفاع از جمهوری اسلامی طی طریق نموده و از هر نوع وابستگی اجتناب نماید و با تکیه بر معیار حق و حقیقت برای گروه‌های مبارز اجتماعی حق دموکراتیک قائل شده و از طرفی با بیان صریح و واقعی حوادث و مشکلات، مردم را بپوران حوادث کشاننده و اعتماد از دست داده را مجدداً پناز یابد و با بسیج عمومی مردم و تشویق آنان بشرکت در بازسازی جامعه در ره رپخته بعد از انقلاب هرچه بیشتر خود و مردم را در جهت انقلاب بفرستد و در آورد کوتاه سخن بزرگترین رسالت رادیو تلویزیون در مقطع کنونی تبدیل شور انقلاب به‌شعور انقلابی و مبارزاتی باشد. صد - ج

بقیه از صفحه ۳ منشور

می‌گرفتند، ملغی می‌سازد - بر طبق رسوم پیشین کسی از جانب عضو قبیله دیگری مورد تجاوز قرار گرفته بود حق داشت بفر هر یک از افراد قبیله متجاوز دست پیدا کرد انتقام گیرد این روش خونخواهیها و جنگها و خصومت‌های پایان‌ناپذیری را سبب می‌شد و جان و امنیت و حقوق افراد بیگانه را پایمال می‌کرد. با در نظام پیشین جامعه و افراد آن تکلیفی نسبت به یک عضو محروم بر عهده نداشتند اما در این نظام تأمین احتیاجات هر فرد بر عهده همگان است. ثروت و کالایی که در دست افراد مختلف است در حقیقت متعلق به همه است و هر فرد موظف است آنچه مازاد بر احتیاج در اختیار دارد، به‌مردم برگرداند. مؤمن واقعی از مؤمن صوری و اسمی تنها با ملاک عمل صالح، یعنی خدمت به‌نوع و گذشت از مال و جان شناخته می‌شود: «آیا تکذیب کننده‌دین را دیدی؟ پس او کسی است بقیه در صفحه ۸

بقیه از صفحه اول کنفرانس تحریک

ملی شدن نه دولتی شدن است، که مردمی و برای مردم بودن است آنچه که در آغاز کار بود، انتظار بود، انتظار از دولتی که منتخب رهبر انقلاب و مردم است، هیچگاه مردمی که با شور و نفع انقلابی و مهندسی برادرانه، بدولتی منتخب از رهبر خویش رأی مثبت دادند، در قیاس با آنچه که آقای بازرگان می گویند، یعنی با دولت های دو هزار و پانصد سال استبداد نیست. اگر امروز نسبت به عملکرد دولت بدبین شده اند، نه نسانی از یک سابقه ذهنی و روانی تاریخی است، همانگونه که شما ترویج و تفسیر می فرمایید، بلکه عدم تحقق خواسته های انقلابی و بازتاب حقیقی آنهاست، و شاید بهتر بود اگر می گفتید که نانی از تطابق تاریخی است، که انتقاد قاطع و سازنده روضفکران انقلابی و دلسوخته برای وطن، یعنی همین مردم و نظرات سازنده آنان را، شما بدگونی توصیف می کنید و لاجرم بدگونی را با معادله ای به مبارزه می یابید!

طرح انحرافی ای می دانستید، تا اینکه با فرمان امام و اعلام آن به وسیله مجاهد نستوده آیت اله طالقانی، سرانجام طرح نورا از جانب دولت شما پذیرفته شد. مدتی بعد لایحه اش اعلام گردید. اما چه تئویق و تبلیغی برای آن شد، و تا کجا پیگیری و عمل؟! طرحی که می بایست به سرعت سرتاسر مملکت را، از کوچکترین قصبه و دهات تا بزرگترین شهر و تمام ادارات و سازمانهای دولتی و غیردولتی و کارگاهها و کارخانجات را فرا می گرفت، که اگر چنین میشد چه بسیار که جلوی این هرج و مرجعها و آشفتگی منطقی را می گرفت و چه خوب طرح می یافت و ضمانت اجرایی مستحکم و استوار، اما امروز انگار که عقیم مانده و تنها در حد همان اعلام در روزنامه پهنه شده است، و تازه هنوز جوهر آن لایحه خشک شده که آقای وزیر کسار و امور اجتماعی شما، غم سندیکار را پرافراشته اند، و بسجای تشکیل شوراهای ایجاد سندیکار را به کارگران تحمیل می کنند، راستی جناب نخست وزیر طرح شوراهای به کجا کشید!؟

از ارتش بگوئیم:

چه بحثها که شد و چه تحلیلی های بنیادی و روشنگر در تعیین ضوابط یک ارتش اسلامی و خطرات دگرگون نکردن آن نظام ارتشی گذشته، در خدمت استعمار، و طرح جایگزینی یک ارتش پاسدار انقلاب که باید حافظ دستاوردهای انقلاب باشد و... اما کار به کجا کشید؟! تنها در جایگاهی افرادی چند ماند و آنها با چه معیاری؟! خلاصه شد و امروز چه کسی پاسخگوی نیازها و خواسته های برادران ارتشی ما هست که خواهان حاکمیت مشی انقلابی بر ارتش و بی ریزی نهاد نوین برای یک ارتش اسلامی اند.

از «ملی» شدن که در سخنان خود فرموده اید، «بدولت اصرار میشد که چرا صنعت را ملی نمی کنید و حتی نامه ها و تلگرامهای زیادی دریافت کردم...» بهر صورت بافتاری می شود که همه چیز ملی باشد یعنی دولتی بشود. یعنی دستگاههای دولتی باز هم توسعه پیدا کرده و مستورم بشود و جسد این نمیخواهند که ما مدافع کارمند و دولت بسازیم و به صفت دولتی بودن به میراث گذشته ما را ناجور نگاه میکنند... چه کسی برایتان چنین تفسیر کرده، که ملی شدن یعنی دولتی شدن؟! آیا واقعا برداشت دولت شما از ملی شدن همین است؟! که اگر چنین باشد باید گفت از هر چه ملی است بشیمان گشته ایم، «رحمت فرموده ما را ملی کنید»

ملی کردن، یعنی مردمی شدن و بدست مردم و برای مردم به اجراء در آمدن، و این برداشت برای تمام ملی نمونها از بانکها و بیمه ها و صنایع و... است. اگر طرح شوراهای انظوری که باید و شایسته شوراهای انقلابی است، انجام میگرفت و خلق بد از امپریالیسم جهانی با خلق بد از سرمایه داری وابسته و نسبی سرمایه داری بهره نکل و گونه اش در جهت برنامه هایان بود، آنگاه تحقق عینی ملی شدنش برایان در تعریف و محتوا روشن و آشکار می شد، که ملی شدن نه دولتی شدن است، که مردمی و برای مردم بودن، میشد.

حال همین طرحهای اعلام شده هم چه نتیجه ای بخشد؟! و رادبو و تلویزیون تا کجا محتوای طرحها را برای مردم روشن ساخت؟! و این مهمترین نهاد تبلیغاتی و آموزشی انقلاب اسلامی، تا چه حد در آموزش و تبلیغ همین برنامه های اعلام شده، مؤثر بوده و شور و نفع انقلابی مردم را برانگیخت؟! کجا به تشریح شوراهای، مساله ارتش، تشریح ملی شدنش و... جز در یک یا چند برنامه فوری و از محتوا نهی، پرداخته است؟! انحصار این دستگاه عظیم و عریض و طویل به دست چه کسی افتاده؟! و چه وقت از ضربه مهلک و سهمناک به انقلاب آری سایی و جمع بندی خواهد شد؟! و این است که برای مردم حتی در اعلام این طرحها، انگار که هیچ واقعه مهمی رخ نداده، و اینست که کم کم خود را جدا از آنچه میگذرد میخواند و می بیند، نه در گیر کارها و طالب چه میگذرد...

دستگاه اداری

آقای نخست وزیر در دنباله سخنان خود می فرمایند «امروز توده مردم بخصوص آنهاست که در صف مقدم انقلاب برجم مبارزه را بدون میکنند

میگویند چرا دولت انقلابی عمل نمی کند. اسوا را نمی گیرد و مصداق نمی کند. آنان طالب اقدامات حاد و تند و ارضاء کننده و انتقامی نسبت به گردانندگان رژیم گذشته هستند و کمتر به اداره مملکت توجه دارند. پس از انقلاب با دستگاه عظیم دولتی مواجه شدیم که نه می شود آنرا دور اتناخت و نه می توان وجود آن را نادیده گرفت و بدون کمک آن کاری کرد از طرفی مردم و انقلابیون میگویند که دستگاههای اداری فاسد و پر از ساواکی است و برای مقاصد رژیم گذشته درست شده است و باید از آنها استفاده نکرد ولی ما برخورداریم به عظمت دستگاههای اداری - تجهیزات - تاسیسات امکانات سرمایه های معنوی و ارزشهای انسانی روی این اصل من همیشه مدافع کارمندان دولت بوده و هستم... «در اینجا هم نخستین تعارض و تفاوت در تعبیر و تعریف انقلاب است، و جناب نخست وزیر عمل انقلابی را «اقدامات حاد و تند ارضاء کننده و انتقامی...» می دانند و آنگاه از «دستگاههای اداری فاسد و پر از ساواکی» یاد می کنند، و نتیجه «عظمت دستگاهها» است و اینست که ایستگاه از «تجهیزات، تاسیسات، امکانات و تا آنچه» سرمایه های معنوی و ارزشهای انسانی «محسوب می شوند» که البته بر این اصل مدافعان هم می شوند.

چنین است که «کنفرانس تحریک ادارات» بر اساس مشی اصلاحی و نه انقلابی در حفظ چهارچوب همان سیستم اداری چه نتیجه ای خواهد بخشید!؟

دستگاه عریض و طویل و ورم کرده اداری و دولتی، میراث رژیم ضد مردمی گذشته است، که اگر بخواهید با قبول چهارچوبش در لوی حمایت از کارمندان دولت، بدون فروریزی اساس آن اقدامی کنید، در جرغهای بورس کراسی عظیم آن، خود را خواهید شد و نباید خود را بزرگترین بورس گرانه های جدیدالولاد خواهید شد. و نه تنها «تحریک» ایجاد نخواهید کرد، بلکه همین تحریک مستحضر، خود به تبحر مطلق مبدل خواهد گردید.

چه لزومی دارد که هنوز مردم سخارج همان دستگاه ورم کرده دولتی را بپردازند و در این شهر دم کرده و چرکین تهران، هزاران، هزار از آقایان و خانها در اطافهای منظم و مرتب شیر کاکائو و قهوه و جای با لیسو می نوشند و بازه اشان هم نق زدنجا بجان این و آنست. اگر کاری باید کرد، همان کار «تند و حاد و یکباره» است، چرا از همین آقایان و خانها که بقول شما در اطاق اداره ای چندین نفر تشریف دارند، در طرح جهاد سازندگی و طرحهای دیگر بکار نمی گمارید؟! و چرا با فرو ریختن اساس آن چهارچوب «دولت سالاری» و «دولت قدرتی» خود این کارمندان محترم را، از هیچکاری به اینهم کاری که هست، اما نه در سیستم اداری، بلکه در سیستم مردمی بکار نمی گیرید. آقای نخست وزیر، اگر بدانند، نیاید، و برایمان لطیفه نازاید، برای تحول در سیستم اداری و برای شکست آن «دولت سالاری»، اگر کاری انقلابی می خواهید انجام دهید، ادارات را ملی اعلام کنید، ملی به مفهوم مردمی، و نه به تعبیر شما «دولتی». که با معیار شما در معنی و مفهوم ملی شدن، یعنی «دولتی شدن»، ادارات از آغاز ملی بودن!

بقیه از صفحه ۱

نخستین نماز جمعه

... مسئله دیگری که جریان روز است، مسئله انتخاب مجلس خبرگان است. ما نمی خواهیم بگوئیم این مجلسی بی عیب و نقص است. بهر صورتی باشد مسلماً مجلسی کامل و تمامی نخواهد بود. کسی هم ادعا نمی کند، اگر به صورت انتخابات بیشتر و گسترده تر و ابعاد بیشتری هم باشد، باز هم آنهاست که باید تق بزنند، نسق می زنند. یک عده حزبشان، گروهشان فقط منفی بافی است، کار مثبتی ندارند، می ایراد می گیرند.

... این درس ماست، این مکتب ماست که حرف حسابی را بشنود، صاحب عقل، هدایت یافته ها این طوری هستند. این وسیله کمال انسان است. حرف مخالف، حرف طرف شنیده بشود و بعد هم بهترینش گرفته شود. در مکتب ما مخالفین باید بیایند، اگر نباید ما باید دعوتشان کنیم، برای اینکه حرفشان گفته بشود. قانون اساسی ما از اصول اسلام نمانی شده است، من شرح میدهم: اصول اسلام قسط است، عدل است و حق، هر معارض و هر ایده ای که هر گروهی بدهد باز اسلام چند قدم جلوتر است. مجلسی اصیل آنست که همه آراء گفته شود، همه ابعاد مسائل بررسی شود.

غرب زدگان فرهنگی را طرد کنیم

که دوباره سنتهای اصیل اسلامی از حرکت انقلابی خارج شود و بصورت پایگاهی برای تسخیر فکر و روح توده درآید. باید جلوی این فاجعه را گرفت، باید از همین الان این نوع صداهای فرهنگ انقلابی اسلام و شیعه را در نطفه خفه کرد. نباید اجازه رند به آنان داد. باید جامعه به حرکت خود در جهت تکامل ادامه دهد و این امکان ندارد مگر با فرهنگ، ملتی که قرنها زیر سیطره جباران داخلی و خارجی بوده، ملتی که زیر فشار فرهنگ غرب از خارج و فرهنگ بوسیده و ارتجاعی از داخل بوده، اینک یک شبه عوض نمی شود و به شخصیت اصیل خود نمیرسد مگر با یک تداوم حرکت فرهنگی و انقلابی در تمام سطوح. برای اینکار نیاز به بازسازی و احیاء اسلام و فرهنگ شیعه در میان مردم می باشد. باید سیاست فرهنگی را بر مسنای ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی تدوین و تنظیم نمود و در میان توده به امانه آن اقدام نمود. چنین قسمی در وزارت فرهنگ و هنر برداشته شد اما عاصفانه بعضی اینک از عناصری که به حرکت و فرهنگ اسلامی اعتقاد داشته باشند دعوت نمود تا سیاست فرهنگی و خط مشی آن را تعیین کنند، از عناصری که زائیده فرهنگ بورژوازی هستند دعوت میشود تا این خط مشی و سیاست را تعیین نمایند. از کسانی دعوت میشود که سالها اعتقاد کامل به هنر برای هنر داشتند و سالها با لباس شب و برای تسخیر و چند ساعتی برای وقت گذراندن در سالن تئاتر حاضر میشدند. تئاتر و سینما و سایر هنرها را که باید در خدمت توده ها باشد، آنان در خدمت لذایذ زندگی بست حیوانی و مصرفی و بورژوازی خود دورده بودند. هم اکنون چنین موردی را در فرهنگ و هنر می بینیم. علاوه بر اینکه این روشنفکران بسفکی تصفیه نشده اند، هم چنان در صدر کار خود قرار دارند و فاجعه آمیزتر اینست که برای خط مشی سیاست فرهنگی از آنان دعوت هم میشود. کسانی که سالها مانند هم کاران خودشان (ملایان دربار. با این تفاوت آنان در جهت ارتجاع و آنان در جهت غرب زدگی) تسخیر کنندگان فکر و ادب غرب بودند اینک هم بر مسند کار هستند و میخواهند همان روش قدیم را ابداع کنند. بطوریکه در پیشنهاد خودشان سراغ رقص و باله را میگیرند و آنان را در این برهه از زمان امری لازم و واجب و یکی از ارکان فرهنگی میدانند. اینان همان کسانی هستند که خوراک خوب و زندگی مهیا و مسکن عالی دارند و فقط از نظر خودشان غذای روح ندارند که این همانا رقص می باشد. البته در گذشته و در رژیم سابق بعضی از این غذای روح سیر میشدند اما اینک باز دوباره میخواهند چنین حرکتی را به جریان بندازند.

در زمانی که میلیونها بیکار در جامعه وجود دارد، زمانی که هنوز آرامش کافی بر جامعه حکمفرما شده، زمانی که هر شب جوانان از جان گذشته ما بنام پاسدار شب تا صبح بیدار میمانند تا از امنیت شهر بساداری کنند و هر آن امکان نهید ندندان وجود دارد آقایان خواهان رقص و باله هستند. زهی بی سومی و بی حیانتی، خوب خفته با حضور یکی از برادران در جلسه فوق و تاکید ایشان که در این برهه از انقلاب الویتی برای ایستگونه هنرها و ارکان فرهنگی نمی بینند. اما چای گسله از مسئولین را میگذارد که چرا اینگونه افراد تا بحال تصفیه نشده اند و از مسند کار کنار گذاشته نشده اند؟ چرا از ایستگونه افراد برای خط مشی و سیاست فرهنگی دعوت میکنند؟ آیا واقعا فرهنگ و هنر فاقد افراد فرهنگی و معتقد و آشنا به ایدئولوژی و جهان بینی اسلام است؟ مسلماً خیر. با آمدن به اینکه در آینده از یک هنر توده ای و فرهنگ ضد استعماری و استعماری برخوردار باشیم. حسین بیگزاده



انحصارطلبی ممنوع

نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

گزارشی از

روستاهای شمال تبریز

● در صورتیکه بهبودی در وضع کشاورزی ایجاد نشود تعداد زیادی از مردم بالااجبار به شهر مهاجرت خواهند کرد

گزارشی از یک خواننده بسم رب المستضعفین

با توجه به سیاست دولت قبلی در مورد کشاورزی و برنامه اصلاحات ارضی فرمانی که هدفی جز تلبه نمودن کشاورزی مملکت و وابسته نمودن کامل آن به امپریالیسم آمریکا نبود و عوارض ناگوار آن هنوز هم گریبانگیر ملت ما مخصوص روستائیان (که قریب ۶۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند) است روستائیان که قبل از اصلاحات ارضی مورد استثمار اربابان قرار میگرفتند بعد از آن مورد استثمار و بهره کشی مضاعف اربابان و رژیم بودند. در دوران نهضت اسلامی اخیر اربابان و ابادی شان با نسیاعه پراکنی در مورد بازگشت بدون قیل و اینک این انقلاب به نفع زمین داران است روستائیان را از شرکت مؤثر در این حرکت باز می دانستند ولی بمصدق آیه «ویریدون لکم غلظاً نورالله با فواهم و الله متم نوره و نکره الکافرون» با پیشرفت درختان و همگانی انقلاب، ما شاهد شرکت مؤثر روستائیان غیور مملکتمان در تظاهرات ضد رژیم بودیم. اکنون نیز تسایر و عملکرد فرمان امام مبنی بر کاست گندم در تمام نقاط روستائی کشور احساس می شود. کشاورزان با احساس آزادی عمل در کشت و برداشت با شوق و علاقه بسیاری به کار پرداخته اند. حال که زمان برداشت محصول رسیده است روستائیان از دولت ملی انتظار کمک در مورد خرید محصول و ارسال آن به مراکز فروش دارند. گزارشی زیر از روستاهای بین اهر و تبریز تهیه شده اند:

موقعیت منطقه:

از کیلومتر ۳۵ جاده اهر - تبریز، جاده ای حاکمی و فرعی جدا می شود که دهات سولوجه، نهند، تازه کند، آغداش، مسعودآباد و الیته بار را بهم می پیوندد. طول راه از ابتدا تا نهند ۱۳ کیلومتر میباشد و دهات سولوجه در ۳ کیلومتری و تازه کند در ۱۰ کیلومتری این راه قرار گرفته اند. جاده قبلاً مالرو بوده که با مختصری ترمیم، اکنون مسانین بزمحت در آن رفت و آمد میکند. سرویس منظم و دائمی برای هیچیک از دهات وجود ندارد و عبور و مرور بر حسب ضرورت و احتیاج صورت میگیرد. جاده در چندین نقطه توسط نهادهای آب قطع می شود که در یک مورد، رودخانه نهند از آن عبور می کند و مانعین ها مجبور به عبور از داخل رودخانه هستند کف جاده از خاک نرم رس است که در اثر بارندگی تبدیل به گل ولای میشود و با عبور تراکتور و ماشینها از روی آن تیرهای عمیق در روی جاده باقی می ماند. در طول مدت زمستان که با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه، مدت آن نیز طولانیست این جاده غیر قابل استفاده شده و ارتباطات دهات مذکور با شهر بکلی قطع می شود.

روستای تازه کند

موقعیت روستا:

این روستا در شمال تبریز بسین بهای کسم ارتفاع واقع شده است.

جمعیت:

ده تازه کند متشکل از ۴۰ خانوار است و کل جمعیت آن در حدود دویست و پنجاه نفر است.

مسکن:

هر خانوار برای خود ساختمانی دارد و کلاً با سدرسه ای که در آن هست ۴۲ ساختمان در ده وجود دارد. مصالحی که برای ساختمان خانه ها بکار رفته سنگ و گاهگل و در بعضی موارد گچ است. سقف خانه ها از تیرهای چوبی و حصیر می باشد. ساختمانها هنگی دارای شکل و فرم یکسان و عبارتند از: یک اتاق دو یا سه طویله و یک اتاقی. اتاق که از نظر ساختمانی مورد استفاده دائمی قرار میگیرد دارای دیوارهای کاهگلی است، نور کافی وارد اتاق نمی شود، از آن بعنوان کارگاه قالیبافی نیز استفاده می شود و تنور در آن قرار دارد. طویله ها معمولاً در مسجورات اطرافها هستند و بهمین جهت

اشغال حوزه های نفتی خلیج

«پیشنامهای احتمالی» آماده اند. اشاره به اهمیت نگهداری «بایگهای اضطراری» می کند: این بدان معنی است که، جز در صورت بروز جنگی همه جانبه در مقیاس جهان، واحدهای زیادی باید همواره در خاک ایالات متحده نگهداری شوند. زیرا اگر سربازان پس از مراجعت مکانی برای تمرین مهارتشان در آمریکا نداشته باشند، این مهارتها بزودی از دست خواهند رفت.»

نیروهای ایالات متحده به بخشهای فرماندهی اروپا (Eucom)، فرماندهی باسیبیک (PACOM) و فرماندهی قاره ای (CONUS) تقسیم می شوند. فرماندهی اروپا، شامل ناوگان ششم، «از نظر سیاسی و نظامی فاقد قدرت رزمی است» همچنانکه «خط اول دفاعی ما در آلاسکا، پاناما و باسیبیک غربی» نیز چنین است. یک «بخش اساسی» از فرماندهی باسیبیک می تواند به خاورمیانه اعزام شود «تنها در صورتی که مناطق مهم آسیای شرقی در سکون باشند». با بخاطر سپردن این امر که «بایگ اضطراری» نیاز به همکاری از جانب فرماندهی قاره ای دارد، «بنابراین یک بخش کوچک از نیروهای فعال ما برای پیشنامهای احتمالی در خلیج فارس آزاد خواهد بود.»

ایالات متحده ۱۶ بخش نظامی دارد که ۴ بخش آن بعنوان «نیروهای متحرک» قادر به مقابله با هر نوع پیشامد احتمالی در خارجه می باشند. ۹ بخش آن نیروهای ذخیره فرماندهی قاره ای هستند که حداقل ۶ بخش آن مجبور به خدمت بعنوان بایگهای اضطراری در هر زمان می باشند. همچنین یک واحد زره پوش، یک واحد تانک و یک واحد مکانیزه نیز موجود می باشند. در شرایط «بهترین موقعیت» سه بخش علاوه بر بخش بیست و پنجم، سیاده نظام و وابسته به فرماندهی باسیبیک در هالاه می توانند به خلیج فارس اعزام شوند. در شرایط «بدترین موقعیت» تنها یک بخش را می توان مورد استفاده قرار داد. از سه بخش نیروهای دریایی قورباغه ای (MAF)، یا واحد ۱ (IMAF) هستند در کالیفرنیا و یا واحد ۲ (IIIMAF) مستقر در کارولینای شمالی را، شرط اینکه در سایر نقاط آنوبی بریا نباشد، می توان به خاورمیانه اعزام کرد. ۳۱ اسکادران از ۷۷ اسکادران جنگنده های نیروی هوایی ایالات متحده در شرایط «بهترین موقعیت» برای خدمت در خاورمیانه آماده می باشند. در غیر این صورت تنها ۲۶ اسکادران هوایی (TAC) نیروهای قاره ای بکار گرفته می شوند.

نیروی دریای ایالات متحده نیز به هم خود قادر به همپا کردن سه هواپیما بر از کل ۱۳ هواپیما بر، که هر یک دارای دو اسکادران جنگنده و سه اسکادران تسهاجمی می باشند است بشرط اینکه در اروپا و باسیبیک آنوبی بریا نباشد. دو هواپیما بر از ذخیره نیروهای قاره ای (CONAS)، یکی از ناوگان هفت تا نهم می شوند. گزارشی اشاره می کند که اگر پیشنامهای ایجاد یک ناوگان پنجم برای گشت دائم در اقیانوس هند که در ماه مارس گذشته مطرح گشتند به مرحله اجرا درآیند تنها منبع و نه تعداد هواپیما برها، تغییر خواهد کرد.

این گزارشی تأکید می کند که بطور کلی نیروهای آماده در یک رابطه معکوس با خطر تغییر خواهند کرد شرایط «بهترین حالت» زمانی غالب خواهد بود که رقیب ما چیزی از دشمنان درجه دوم کمتر باشند. شرایط «بدترین حالت» را در صورت روبارونی با روسها می توان انتظار داشت.

بهر حال تحت کلیه شرایط، واحدهای آماده تنها در صورتی می توانند به سطور مؤثر عمل کنند که یک فرماندهی مرکزی به منظور هماهنگ کردن فعالیتها وجود داشته باشد ایده یک نیروی عملگر مشترک (JTF) نخست در سال ۱۹۷۷ مطرح گشت و مطالعات متعددی نیز در این زمینه انجام گرفته است اما گزارشی درباره اینکه آیا گاههای محکمی به منظور تشکیل چنین نیروی برداشته شده است و در صورت مثبت بودن، چند بخش، هسته مرکزی چنین نیروهای را تشکیل خواهند داد، مبهم است.

گزارش در حال حاضر احتمال اینکه یک تولید کننده نفتی خاورمیانه، تقاضای مداخله نظامی از ایالات متحده بنماید را منتفی می داند، اگر چه یک چنین سناریویی می توانست بهترین شرایط را برای مداخله نظامی فراهم آورد. سه تهدید عمده به دخاخر نسفتی مشخص شده اند: ناآرامی داخل محاصره نسفتی و یا تجاوز. در حالت ناآرامی داخلی، «احتیاجات احتمالاً بر روی نیروهای مسلح به واسطه های سبک و پرتحرک زمینی ایالات متحده، به منظور تأمین امنیت داخلی، متمرکز خواهند شد. نیازی به چیزی بیش از آن نخواهد بود مگر اینکه صدها هزار نفر کارشناسان نفتی و پرسنل کمکی در طول آنوب فرار کرده باشند.»

بهر حال منطقه نفت خیز خاورمیانه «از هر منبع واردات نفتی دیگری از ایالات متحده دورتر است و با ۱۰۰۰۰ مایل ربع مساحت در پرتگرنده هزاران دستگاه تأسیساتی و کیلومترها خط لوله نفتی می باشد. بدین ترتیب ایالات متحده «در صورت اعزام هر گونه قوای جنگی به خاورمیانه مجبور به پوشاندن مناطق وسیعی در انتهای خطوط طولانی ارتباطی خواهد بود.» گزارشی در بازنگرشی به نیروهای ایالات متحده به منظور پیدا کردن اینکه چه تعداد بسرای مقابله با

در آواخر آوریل گذشته، سرویس تحقیقات کنگره ای کتابخانه کنگره آمریکا گزارشی مفصلی درباره «واردات نفتی از خلیج فارس» کاربرد نیروهای مسلح برای تضمین جریان (نفت) منتشر کرد. مؤلفین آن، جان ام. کالینز از اداره کارشناسان عالیترتبه و کلاید آر. مارگ از بخش امور خارجی و دفاع ملی نیروهای را که ایالات متحده می تواند به منظور حفاظت از ذخیره های نفتی بکار برد مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این مطالعه تا حدودی ناخوشایند بود.

از زمانی که دولتهای غرب در سال ۱۹۷۳ جنگی استفاده از سلاح نفت را آموختند، ایالات متحده مشغول مطالعه بر روی امکان اشغال حوزه های نفتی بوسیله نیروهای نظامی و به منظور تضمین جریان نفت در صورت بروز یک تحریم دیگر بوده است. اما یک گزارشی جدید که بوسیله کتابخانه کنگره آمریکا منتشر شده است این چنین نتیجه گیری می کند که «منابع فعال استراتژیک ما در حال حاضر آنقدر محدود هستند که در گسیر شدن در یک جنگ حتی خفیف در خاورمیانه بدون پذیرش ریسک از دست دادن منابع حیاتی در مناطق دیگر امکان پذیر نیست.»

در گزارشی آمده است: کسانی که «انتظار یک «مقابله جدی» بین ایالات متحده و اتحاد شوروی را در آینده قابل پیش بینی بر سر مسئله ذخایر نفتی خاورمیانه دارند تنها دو راه در پیش رو دارند. باید یا «احتمال فدا شدن منابع ایالات متحده و مستخدمینش را» که ستونهای عالیترتبه کنگره و بخش اجرائی حیاتی ارزیابی می کنند - پذیرفت و یا در غیر این صورت، تأسیسات دفاعی خود را تقویت کنیم.»

مقامات رسمی ایالات متحده نیز احتمالاً از این امر آگاهند، زیرا در ماههای اخیر اظهاراتشان با در نظر گرفتن همه جوانب مطرح شده است. برای مثال جیمز شلز نیچر در سال ۱۹۷۵ بعنوان وزیر دفاع در یک کنفرانس مطبوعاتی گفته بود که «در صورت بروز ضرورت، هدایت عملیات نظامی (در خلیج) برای ایالات متحده «عملی» است. چند ماه بعد اظهار کرد که ایالات متحده قادر به تحمل یک تحریم نفتی «جدید نیست.» اما در فوریه اخیر به عنوان وزیر انرژی، وی تنها به اشاره به این امر قناعت کرد که اگر منابع نفتی خلیج در معرض خطر «نیروهای دشمن» قرار گیرند، «در توازن نیروها یک تغییر دراماتیک رخ خواهد داد.» هارولد براون، وزیر دفاع، چند روز بعد اظهار داشت که نیروهای ایالات متحده در منطقه مورد تجدید نظر قرار دارند، اما اضافه کرد «اشکال کمتر علنی و غیر مستقیم حضور با نفوذ احتمالی نظامی ایالات متحده آشکارا راههای بهتری برای شروع می باشند.»

گزارش کتابخانه کنگره بعداً موقتیت که با توجه به آن، دخالت نظامی آمریکا در ایالات متحده مورد بررسی قرار خواهد گرفت اشاره می کند: اول اینکه «دول تولید کننده نفت که ممکن است در نتیجه شورش و ناآرامی داخلی یا حملات یک نیروی دشمن در معرض خطر از دست دادن منابع خود قرار گیرند، از ایالات متحده تقاضای کمک بنمایند؛ دوم، اشغال بعضی حوزه های نفتی «در صورت بروز تحریم نفتی یا هرج و مرج غیر قابل تحمل در قیمت گذاری در ایالات متحده و یا دیگر مناطق جهان صنعتی.»

این گزارشی خاطر نشان می سازد که کمبودهای نفتی قادر به «ایجاد بحرانهای ریشهای در اکثر جوامع صنعتی می باشند.» همچنین می افزاید که نفت نسیمی از نیازهای انرژی ایالات متحده و اروپای غربی و ۷۳ درصد نیازهای ژاپن را تأمین می کند. اما در حالی که ایالات متحده ۵۰ درصد نفت مورد نیاز خود را وارد می کند، اروپا ۹۶ درصد و ژاپن ۱۰۰ درصد نیازهای نفتی خود را وارد می کند. خاورمیانه ۸ درصد نفت آمریکا ۲۳ درصد اروپا و ۵۳ درصد نفت مورد نیاز ژاپن را تأمین می کند. در مقابل، اتحاد شوروی در حال حاضر مازاد بر نیاز خود نفت تولید می کند، اما این وضع در دهه ۸۰، زمانیکه ذخایر آن شروع به تمام شدن می کنند، تغییر خواهد نمود و در آن صورت «کنشک ایالات متحده و اتحاد شوروی بر سر نفت خاورمیانه می تواند صورت حادی به خود بگیرد.»

بهر حال منطقه نفت خیز خاورمیانه «از هر منبع واردات نفتی دیگری از ایالات متحده دورتر است و با ۱۰۰۰۰ مایل ربع مساحت در پرتگرنده هزاران دستگاه تأسیساتی و کیلومترها خط لوله نفتی می باشد. بدین ترتیب ایالات متحده «در صورت اعزام هر گونه قوای جنگی به خاورمیانه مجبور به پوشاندن مناطق وسیعی در انتهای خطوط طولانی ارتباطی خواهد بود.» گزارشی در بازنگرشی به نیروهای ایالات متحده به منظور پیدا کردن اینکه چه تعداد بسرای مقابله با

مهاجرت: اغلب مهاجرت های فصلی و موقت جهت انجام کارهای ساختمانی در شهر به منظور تأمین کمبود هزینه زندگی صورت میگیرد. روستائیان که صاحب زمین و دام نیستند به کار کارگری ساختمانی، در کوره های آجرسزی و چوبانی مسجیراژند. در صورتیکه بهبودی در وضع کشاورزی ایجاد نشود تعداد زیادی از مردم بالااجبار به شهر مهاجرت خواهند کرد.

بقیه در صفحه ۳

در صورت معاصره نفت، که در مؤثرترین حالت در ننگه هرگز می تواند به اجراء درآید، نیروی دریایی ایالات متحده «می تواند مؤثرترین اقدامات را عملی نماید» اگر چه ناوگانهای فعال تنها سه مین جمع کن در اختیار دارند. هواپیماهای مخصوص با بالهای دوار می تواند به سرعت مداخله کرده و گشتی های کوچک ساحلی می تواند مواضع تویخانه های دشمن را سرکوب کند. گزارشی خاطر نشان می سازد که «با توجه به وضعیت فعلی نیروهای مسلح ایران تنها نیروی توان جدی معاصره بنادر خلیج فارس را دارد.»

بر طبق گزارش تهاجم ساگهانی «حملات هوایی منفرد بر علیه تأسیسات نفتی» با تجاوز می تواند بوسیله قدرت های محلی، قدرتهای طرفدار شوروی یا مستقیماً بوسیله اتحاد شوروی انجام شود. در حالت تجاوز یک قدرت محلی یا قدرت طرفدار شوروی، ایالات متحده مجبور به استفاده از نیروی زمینی به همراه حمایت هوایی خواهد بود. اما شهر حال «ده واحد عراقی و نزدیک به ۲۰۰۰ تانک که بوسیله ۲ اسکادران بسب افکن و ۱۲ اسکادران جنگنده با هاجمی حمایت شوند می تواند یک رقابت جدی را برای نیروهای پیشگیری ایالات متحده در «بهترین حالت» فراهم کند.»

البته یک نبرد مستقیم با شوروی متحر به ایجاد موقعیتی بسیار پیچیده تر، با احتمال رود روشی در یک جنگ اتمی همه جانبه، خواهد شد. در هر صورت به هم نوع نیروهای ایالات متحده بسرای مقابله با چنین تهدیدی نیاز است. همچنین تعیین اولویتها بسرای رهبران آمریکائی مشکل خواهد بود.»

گزارش نتیجه می گیرد که حتی اگر کمک (نظامی) ایالات متحده مورد تقاضای قدرتهای محلی باشند، نیروهای پیشگیری آمریکا در «بهترین حال» ناقص بوده و کنترل متحرک آنان مورد شک می باشد... اشتباه در محاسبه لوازم مورد نیاز برای هر نوع جنگ که ممکن است نهایتاً به بدرگیری با شوروی بینجامد می تواند نتایج (وخیم) غیر قابل پیش بینی به همراه داشته باشد. اجرا سناریوی دومی که طبق آن ایالات متحده ذخایر نفتی را از تولید کنندگان آن مستشرق می شود، با توجه به نیروهای آماده در حال حاضر، تقریباً غیر ممکن بنظر می رسد. پنج شرط باید اجرا شوند: تأسیسات دست نخورده تصرف شوند؛ امنیت، آنان برای مدت زمانی تأمین شود؛ ذخایر آسیب دیده تعمیر گردند؛ تأسیسات بدون رضایت صاحبانش بکار گرفته شوند؛ امنیت عبور نفت تضمین شود.

در این حالت باید باخرا بکارگیری نیز مقابله کرد و گزارشی معتقد است که «وسائل تعمیر مجدد از حدود توانائی ایالات متحده منجاوز خواهد بود مگر اینکه خرابی بسیار محدود باشد.» نه تنها یافتن پرسنل تعلیم دیده مشکل بزرگی خواهد بود بلکه همچنین لوازم تعمیرات نیز مسئله ای است چرا که حتی خود ایالات متحده نیز با کمبود این وسائل روبرو است. بنابراین بطور خلاصه می توان گفت «تعداد و نوع نیروهای «لبه حمل» و متحرک نهاد نظامی آمریکا موجب موفقیت نخواهند گشت.»

نیروهای «بهترین حالت» می تواند حوزه های نفتی را متصرف شوند اما در اینکه آیا ایالات متحده قادر به کنترل و بکار انداختن آنان باشد، شک است.» عملیات روز بروز بقدری مشکل خواهد بود که احتمالاً همه کارگران نفتی آمریکا مجبور به پرت کردن جای خالی همکاران اریک خود شوند. آنها تنها در صورتی که خرابی اولیه کوچک باشد و اتحاد شوروی نیز دخالت نکند می توانند موفق گردند. اما «از آنجا که هیچیک از این شروط اساسی را نمی توان تضمین کرده اشغال حوزه های نفتی «مخارج زیادی را همراه با پذیرش مخاطرات بزرگی، هر جا که ما تلاشهایمان را متمرکز کنیم، به همراه خواهد داشت. چنین طرحی با اوضاع نااهنجار نتایج وسیع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و شاید نظامی که به ازاء جریمه عدم موفقیت آن بیار خواهد آمد، چشم انداز روشنی را در پیش رو ندارد.»

بنابراین اگر چه رهبران آمریکائی متفق القولند که غرب در خاورمیانه «منافع حیاتی» دارد و همچنین «نیات» آن منطقه ضروری است، اما اینکه آیا نهاد نظامی آمریکا حتی با کمک قدرتهای محلی قادر به محافظت از آن منافع باشد، قابل بحث است.

دانستن اینکه آیا ایالات متحده ریسک «فدا کردن» منافع خود را قبول می کند و یا اینکه مؤسسات دفاعی نفوذ خواهند شد تا ایجاد یک نیروی مشترک عملیاتی متحرک را و یک ناوگان پنجم برای اقیانوس هند عملی گردد، به آینده موقوف می گردد. اما شناسید «مخارج هنگفت» همواره با «مخاطرات بزرگ» به سازندگان سیاست خارجی آمریکا را قبل از تصمیم گیری درباره اینکه چه سیری را انتخاب خواهند کرد، وادار به تأمل کند.

عین ترجمه از ماهنامه میدل ایست ژورنل ۱۹۷۹

با خلعید از سرمایه داری وابسته امپریالیسم را بزانو در آوریم

تلگرام به برادر عرفات

بنام خدا
شهادت زهیر محسن
برادر ابوعمار رئیس کمیته اجرایی سازمان
آزادبختی فلسطین
تشریفهای کثیف امپریالیسم و صهیونیسم
بین المللی برای نابودی انقلاب فلسطین با تسرور
ناجوانمردانه شهید زهیر محسن، یکبار دیگر ابعاد
تازه‌ای بخود گرفت.
خون تازه‌ای که پس از شهادت زهیر محسن
به کالبد سرزمین فلسطین جاری شد، طلعه‌ای تسریع
مبارزه مسلحانه خلق مستضعف فلسطین علیه
استعمارگران و آیدایشان را خواهد داد. شهادت پر
افتخار این فرزندان قهرمان در راه دفاع از حق و
آزادی، باعث خشنودی و سرفرازی تمام ملل محروم
و مستعبد شده است. آرمانهای مشترک انقلاب ایران و
فلسطین، تحریک تازه‌ای را برپای ناپودی
امپریالیستها و صهیونیستها نوید میدهد.
جنبش مسلمانان مبارز ضمن محکوم کردن ترور
ناجوانمردانه زهیر محسن، تسلیت و تأیید شدید خود
را به برادر ابوعمار، خلق قهرمان فلسطین و خانواده
شهید ابلاغ میدارد.

انقلاب تا پیروزی

ناوهداد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع
جنبش مسلمانان مبارز
۱۳۵۸/۶/۲۶

ترور زهیر محسن

بنا بر خبر، خبرگزاریها، زهیر محسن رهبر گروه چریکی
الصاعقه و رئیس بخش نظامی سازمان آزادیبخش
فلسطین، مورد سوء قصد در مرد مسلح قرار گرفت و از
ناحیه سر شدت مجروح شد و پس آنکه بهوش آید،
شهادت رسید. سازمان آزادیبخش فلسطین در بیانیه‌ای
که در بیروت انتشار داد تأکید کرد که مجاهد شهید زهیر
محسن به وسیله تروریستها اسرائیل در حالیکه از
شترکت در کنفرانس عالی سازمان وحدت آفریقا باز
میگشت، به قتل رسید. سازمان آزادیبخش فلسطین
اطمینان داد این قاتلان که توطئه خیانتکارانه کبب دیوید
را علیه مردم فلسطین و انقلابیون فلسطین اجراء می‌کنند
از مجازات نخواهند رست. هم چنین خون شهید زهیر
محسن تحریک تازه‌ای به مبارزه مسلحانه مردم فلسطین
خواهد داد.

تحصن دانشجویان ایرانی در دو شهر آلمان

در پی دستگیری و بزدان انداختن تعدادی از
دانشجویان ایرانی مقیم آلمان غربی از طرف پلیس
آن کشور در شهرهای هامبورگ - برمن کوبلنگن و
هانور اعضای کنفدراسیون جهانی دانشجویان
ایرانی مقیم خارج برای دفاع از امنیت دانشجویان و
اعتراض به اقدامات پلیس آلمان در سفارت ایران در
بن و در کنسولگری ایران در هامبورگ دست
به تحصن زدند. نماینده امام خمینی، جبهت الاسلام
نوری نیز از دانشجویان ایرانی در مقابل حملات
پلیس دفاع کرده است. خواسته‌های مستحصنین
عبارتند از: ۱- قطع حملات تبلیغاتی آلمان علیه
جمهوری اسلامی و دانشجویان مبارز ۲- قطع
پیگرد و تعقیب دانشجویان مبارز از طرف پلیس ۳-
آزادی فوری دستگیرشدگان هامبورگ و برمن.

بایان تحصن همافران

بدنبال بایان تحصن همافران نیروی هوایی و زمینی
کنسور بفرمان امام خمینی، همافران کارهای عادی خود
را در کلیه یادگانه‌ها آغاز کردند. در بایان این تحصن،
همافران قطعنامه‌ای انتشار دادند که در آن آمده است:
ما بخاطر انقلاب و حفظ دست آوردهای ارزشمند
آن تحصن نمودیم و بفرمان امام خمینی رهبر بزرگمان و
برای شست کوبیدن بردهان باوه گویان و فرصت طلبانی
که سعی نمودند تا بخیال خود از تحصن مشروط و بر
حق ما تا آنجا که می‌توانستند به تسفیع ضد انقلاب و
دشمنان اسلام بهره برداری سوء نمایند. تحصن خود را
م. شکیم. اما همه عوامل ضد انقلاب و سرپرندگان
امپریالیسم شرق و غرب بخصوص: آلهائی که در نیروی
هوایی خود را در رأس بعضی از مشاغل حساس
جایزده اند و نیز همه آلهائی که با ماسک انقلابی ولی با
حیله و نیرنگ با بعضی از سردمداران و عوامل
مشکوک این نیرو و در جهت کمک به ضد انقلاب و
منافع شخصی خود تن به سازش داده‌اند بدانند که ترک
تحصن ما، بنایه فرمان امام، هرگز به معنی ترک سنگر
مبارزه نخواهد بود و آگاه باشند که ما به تلاش خود در
راه بازسازی و پاکسازی ارتش مخصوصاً نیروی هوایی
بهر طریق که مؤثر باشد ادامه خواهیم داد... حال که پیام
خود را به رهبر انقلاب و مردم قهرمانان ابلاغ کردیم و
با اطمینان از اینکه دیگر کج اندیشان نخواهند توانست
ذهن امام و افکار عمومی را نسبت به ما مکدر سازند، با
آگاهی و هوشیاری بیشتر و قلبی سالامل از عشق
به اسلام و میهن، بسر کارهای خویش باز خواهیم گشت
- لذا اعلام می‌نماییم که تحصن ما بفرمان امام از تاریخ
۵۸/۵/۲ در کلیه پایگاههای نیروی هوایی در سراسر
ایران شکسته می‌شود.

تظاهرات دانشجویان

آفریقائی در پکن بر علیه «تبعیض نژادی»

لوموند ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۹
آژانس فرانس پرس - پکن
در حدود صد نفر از دانشجویان آفریقائی با
انجام تظاهراتی خواستار «بایان بختیبدین به تبعیض
نژادی در چین» شدند. آنها با اعتراض بسوضع
اسفناکی که برای آنها بسوجود آمده و هم چنین
حادثه‌هایی که اخیراً بین دانشجویان «جهان سوم» و
چینی در شانگهای رخ داده، خواستار باز گشت
به کشورهای خود شدند. زیرا معتقدند که با آنها بطرز
نامطلوبی رفتار میشود. در جریان تظاهرات
باندرولهائی حمل میشد که این جملات بسجتم
میشود: «ما دیگر نمی‌خواهیم که با مرکب سیاه
رنگ سویم» (اشاره به سرنوشت دانشجویانی از
کنسور مالی که در شانگهای توسط چینی‌ها با مرکب
رنگ شد)، «ما خواهان باز گشت بسوطن هستیم»، «ما
دیگر نمی‌خواهیم کتک بخوریم»، «مسحر هرگونه
تبعیض نژادی» قطع بدنام کردن و توهین به آفریقا
از طرف مقامات چینی را خواستار شدند. آنها سپس
به جلوی سفارت خانه‌های مراکش و چند کنسور دیگر
رفتند تا با تسلیم عریضه خود سفیران را از این
وضع آگاه کنند. ولی دانشجویان تظاهر کننده اعلام
داشتند که سفارت خانه‌های آنان شب قبل از طرف
مقامات چینی در جریان گذاشته شده بودند تا با
جلوگیری از بسوستن سایر اتباع آن کشورها در
تظاهرات جلوگیری کنند.

پیرامون عفو عمومی در برزیل

لوموند ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹
چهار ده تن از زندانیان سیاسی ریود و ژانیرو روز
پنجم ۲۲ ژوئیه بر علیه برنامه عفو عمومی زندانیان
سیاسی که از طرف دولت ارائه شده دست به اعتصاب
غذا زدند.
اعتراض آنها ببعثت قانون عفو عمومی در مورد
محروم بودن محکومین به اقدامات «تروریستی» است.
در صورتیکه در این متن افرادی که اقدام به شکنجه دادن
زندانیان سیاسی کرده‌اند، از قانون عفو بسرخودار
خواهند بود.
دولت برزیل زیر فشار نوظلمین تصمیم دارد
محکومین به عملیات «تروریستی» را از این قانون
مستثنی کند. سوالی که هم اکنون مطرح میباشد این
است که آیا این قانون شامل دانشجویان و اعضای
سندیکاهای کارگری که از آنها در مورد مشاغلشان
خلع بد شده، خواهد شد یا خیر؟
در مورد تصویب قانون عفو عمومی، تاکنون هیچ
یک از افراد حزبی، نه در حزب دولتی آرونا
(ARENA) نه در حزب سیاسی مخالف (بسا مسجور
قانونی) M.D.B. کوچکترین عکس العملی در مورد
تبعیض عملکرد بین زندانیان سیاسی و شکنجه گران
نشان نداده‌اند.

اعتراض سازمان آزادی بخش فلسطین

ژنو ۲۱/۷/۱۹۷۹ وفا
در بیانیه‌ایکه صبح دیروز در ژنو بنام سازمان
آزادبختی فلسطین توزیع گردید، آمده است که شرکت
رژیم نژاد پرست صهیونیستی در این کنفرانس
(کنفرانس بین المللی که مشکلات آوارگان هند و چین
را بررسی میکند) یک دروغ بین المللی است، زیرا رژیم
اسرائیلی صهیونیستی عامل آوارگی بیش از یک میلیون
و هفتصد هزار فلسطینی است که از سال ۱۹۴۸ تا بحال
از سرزمینهای فلسطینی را رده شده‌اند. رژیم اسرائیلی
صهیونیستی عامل آوارگی بیش از یک میلیون و هفتصد
هزار فلسطینی است که از سال ۱۹۴۸ تا بحال از
سرزمینهای فلسطینی را رده شده‌اند. رژیم صهیونیستی
در این کنفرانس، در سمت عضو کمیته اجرایی و
سرپرست مسائل آوارگان شرکت کرده است و در زیر
پوشش این سمت، اظهار احساس انسانی بودن میکند. و
در پوشش این سمت، رژیم صهیونیستی سعی دارد که
آمدگی خود را برای شرکت در حل مشکلات آوارگان
وینتایی اعلام نماید.

معرفی نشریه مجاهد

«نشریه هفتگی مجاهد، ارگان سازمان مجاهدین
خلق ایران انتشار یافت. انتشار این نشریه گامی
است در جهت بسط و گسترش فرهنگ اصیل و
انقلابی اسلام، مطالعه این نشریه بررشد آگاهی
متعهدین به انقلاب اسلامی خواهد افزود.
مجاهد نقطه نظرات سازمان مجاهدین خلق
ایران را پیرامون مسائل انقلاب بسیان میدارد و
رهنمودهای سازنده در جهت تدوام انقلاب ارائه
میدهد. موفقیت برداران و خواهران مجاهد را در
انتشار این نشریه برای غنای فرهنگ انقلابی اسلام
خواستاریم.»

معرفی نشریه

در هفته گذشته شاهد انتشار اولین شماره فریاد
گودنشین بودیم
این نشریه که به همت خواهران و برادران ساکن
گوردهای جنوب شهر تهران
انتشار یافته بیانگر دردها و محرومیت‌های این بخش
از جامعه ما میباشد
ما با اعتقاد به اینکه توده‌های محروم خود بهترین
بیان کننده دردها و نیازهایشان هستند انتشار این
نشریه را گامی هر چند ناچیز در جهت انعکاس
خواستهای واقعی خلق محرومان میدانیم.
مطالب این شماره فریاد گودنشین عبارتند از:
گزارش‌هایی از وضع گورها و شوراهای گود،
ادبیات و هنر و چند مقاله دیگر.

«در جهاد سازندگی چه میگذرد؟»

پیراساس مسئولیتی که به عنوان یک مسلمان،
احساس کرده و در لبیک گوئی به دعوت امام به جهاد
از جندی پیش خود را آماده شرکت در جهاد سازندگی
ساخته. حرکتی که می‌توانست انقلاب دوم کشور ما
باشد.
اما با مراجعات مکرر و بسرخورد بسا موانع
به تماش نزدیک با مسئولین و مشکلات آنها پرداختم
و گزارشی از این تحقیقات فراهم کردم که اینک
جهت آگاهی به رهبری انقلاب و امت مسلمانان ایران
تقدیم می‌دارم. جهاد سازندگی پس از گذشت بیش
از دو ماه فعالیت و یک ماه واندی از دعوت عام امام
دایر بر شرکت مردم در این فریضه مذهبی و نهضت
سازنده، هنوز نتوانسته است کمترین موفقیتی را در
جهت هدفهای پیش‌بینی شده خود بدست آورد. این
هدفها چه بودند؟ حرکت متحد مردم، مستحصین و
صاحب نظران، در جهت حل بنیادی اقتصاد نابسامان
کشور که علت عمده آن از روستاهاست و استقلال
مسفاهی انقلاب و فرهنگ اصیل اسلامی
به روستائیان. هدف‌هایی که رعایت آنها نقش عقیق و
و وسیعی در حل کلیه مسائل و بحرانهای کنونی ما
داشت. اکنون جمع‌آوری توسط مردم که محسور
تبلیغات جهاد سازندگی شده تقریباً کل فعالیت جهاد
است که اولاً جمع‌آوری محصول چندان ربسطی
به تشکیلات جهاد سازندگی ندارد زیرا قبل از اعلام
جهاد این کار توسط خود مردم بدون کمک مالی و
تدارکات انجام میشد و در حال حاضر نیز ادامه دارد
ثانیاً جمع‌آوری محصول توسط مردم امری کاملاً
غیر اقتصادی است. چه یک کمپاین پراحتی بجای
۴۰۰۰ نفر کار میکند. جهاد سازندگی که در این
زمینه وظیفه را از گروههای کوچک و فعال ساقط
کرده بساوسط دخالت سیستم اداری و نظام دیسوان
سالاری دولتی در آن، نتوانست پس از آنهمه دیسوان
و تلاش گروههای داوطلب کمپاین را بسوقع
وارد فعالیت کند بطوریکه هنوز هکتارها گندم و جو
زارعین در خطر نابودی است، و این در حالی است
که تقریباً تمام گروههای داوطلب در امور عمرانی
(فنی و ساختمانی) کشاورزی، بسرنسکی، و حتی
فرهنگی بدون امکانات و بودجه در حال اتلاف وقت
و سرگردانی در روستاهای کشور با اعصابی خرد و
روحیه‌هایی مایوس از جهاد سر می‌سیرند و حتی
گروههایی نیز به نهمسهرای خود بازگشته‌اند. ستاد
جهاد همدان رو به تعطیل است در آذربایجان تفرقی و
خوزستان نیز شوراهای جهاد داوطلبین با امکانات
شخصی مشغول خرده کاری هستند و اعتراضات آنها
را به جانی نمی‌برد در کردستان هفته‌ها درخواست
شورا در مورد توجه و امکانات به تعویق افتاد و
جوآنان مسلمان کرد که به هاردوی جهاد رفته بودند از
سر کار بازگشتند حتی ستاد جهاد اصفهان با تمام
خود کفائی‌هاییکه برایش قابل پیش‌بینی بود نیز از
این امر مستثنی نشد و شور و شوق داوطلبین را با
نظام دیسوان سالاری دولتی جوایی کوبنده تحویل
گرفت بطوریکه اعضای شورا یک هفته مهلت برای
تعطیل شدن تعیین کرده‌اند. تنها در بعضی استانها
که استانداران آن و بعضی از مسئولین امور اداری
تعهدی در امر جهاد احساس کرده‌اند به کار شوراهای
جهاد خارج از ضوابط اداری رسیدگی و امکانات
محدودی در اختیار آنها گذاشته‌اند. از طرف دیگر
فعال نبودن ستادهای جهاد در مراکز استانها بخاطر
انحصار تصمیم‌گیری بودجه و تجهیزات توسط
دولت و حاکم کردن مقررات دست‌وپاگیر اداری
باعث شده است که این مراکز نتوانند اعلان نیاز
نیروی انسانی بکنند در نتیجه داوطلب رفته‌های
گورناگون مستنظر اعزام، بسلاکتلیف و بسرخورده
شده‌اند در صورتیکه اگر کمیته‌های اجرایی از
امکانات مالی و تجهیزات برخوردار بودند مطمئناً با
کمبود نیروی انسانی مواجه نمیشدند. حال باید دید
چرا طره‌های انقلابی که مسئولیت اجرای آنها دولت
برعهده می‌گیرد با عقیم می‌سازند و بسا بصورت
غرامت بردازی، به عده‌ای در می‌آید. نظام بسوسیده و
ضد مردمی اداری رژیم بهلوی که چهارچوب دولت
فعلی وارث آن است قادر به اجراء طره‌های
مردمی و بالطبع انقلابی نیست. طره‌های مردمی نیز
با فقدان امکانات مالی و تجهیزات روبروست و
طبعاً نمی‌توانند کم‌رخم‌خنده خود را از زیر بسار
سنگینی سازندگی بعد از انقلاب راست کنند و جهاد
سازندگی نیز از این امر مستثنی نیست و چنین است

مصطفی خسروناهی
۱۳۵۸/۵/۶

بقیه از صفحه ۵

منشور

که بشیر را می‌راند و بر طعام بتویان پرتشور و منقول
اقدام نمی‌کند. پس بد بحال نماز گذارانی که از نماز
خویش غافلند - کسانی که خودنمایی می‌کنند و
مایحتاج عمومی را بازداشت می‌کنند
بعد از اعلام این منشور یا عهدنامه بود که بقیصر با
یکی از مؤمنان مهاجر و انصار عقد اخوت و برادری
بست با این اقدام هم روابط دوران جاهلی و نظام
طبقاتی و قبیله‌ای باطل و منقضی شد و روابط افراد بسر
اساس برادری - تساوی و اشتراک در عقیده و هدف و
راه استوار گردید - تنها معیار تفاوت تقوی یا ظلم و
جنایت بوده و لا غیر...

۱- بسیر این هشام
۲- ارباب‌الذی یکذب بالمدین - فذلک الذی یبعث الیهم -
ولای بعض علی طعام المسکین - فویل للمصلین - الذین هم عن
صلاتهم ساهون - الذین هم برون و بسمنون الماعون - قرآن -
سوره ماعون

لطفاً وجوه نشریه است را به حساب جاری شماره
۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت‌طاووس روزولت
واریز نمایید

هفته نامه امت شماره ۱۶
چهارشنبه ۱۰ مرداد
۱۳۵۸ سال اول
زیر نظر:
شورای نویسندگان امت
خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو
۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۸۳۱
چاپ شرکت الفه سه ماهی عام

دروود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما